



واحد ضمن خدمت ناحیه ۲ بهارستان

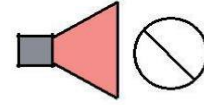
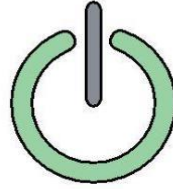
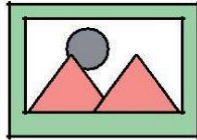
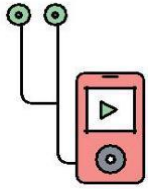
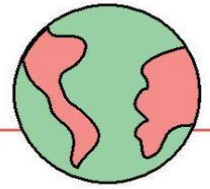
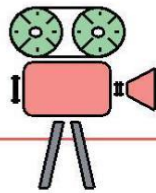
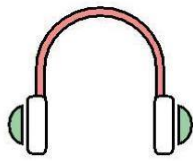
مدرس دوره: سرکار خانم زهرا انوروزی

عنوان دوره: آشنایی با سبک های یادگیری و شناختی

## سبک های یادگیری و شناختی

هدف اصلی فعالیت آموزش و پرورش یادگیری است. یادگیری یکی از مهم ترین زمینه ها در روانشناسی امروز است و روشهایی که بتوان توسط آن یادگیری را بهبود بخشید بسیار حائز اهمیت است هر دانش آموزی در صدد است چنان مطالعه کند که یادگیری مطلب مورد نظر را به حداکثر ممکن خود برساند تا سبب افزایش انگیزه و کارایی و پیشرفت خود شود.

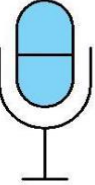
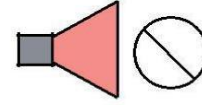
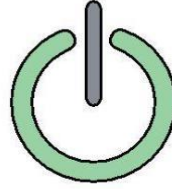
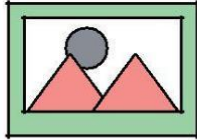
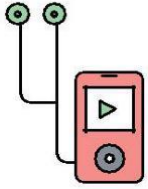
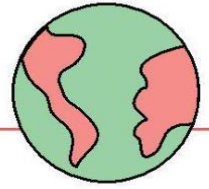
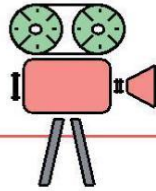
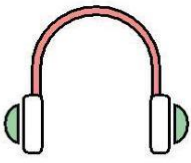




## مقدمه

هدف اصلی فعالیت آموزش و پرورش یادگیری است. یادگیری یکی از مهم ترین زمینه ها در روانشناسی امروز است و روشهایی که بتوان توسط آن یادگیری را بهبود بخشید بسیار حائز اهمیت است هر دانش آموزی در صدد است چنان مطالعه کند که یادگیری مطلب مورد نظر را به حداکثر ممکن خود برساند تا سبب افزایش انگیزه و کارایی و پیشرفت خود شود. در گذشته اعتقاد بر این بوده است که عامل مهم یادگیری، هوش فرد است که به صورت ذاتی از والدین به ارث می رسد. بر اساس این اعتقاد فردی که دارای ضریب هوشی بالا باشد به راحتی به یادگیری معنی دار و پیشرفت تحصیلی می رسد در صورتی که نظریه های جدید روان شناسی حاکی از این است که بخش مهمی از رفتار هوشمندانه را کارکرد شخصی تشکیل می دهد و با توجه به این رویکرد بر خلاف توانایی های ذاتی فرد که غیر قابل تغییر است کارکرد های شناختی قابل آموزش و یادگیری است. بنابراین عوامل بسیاری می تواند در درک مطالب و یادگیری و نهایتا پیشرفت دانش آموزان تاثیر گذار باشد. در بین این عوامل می توان به سبک های یادگیری به عنوان یکی از راهبردهای فرا شناختی که عامل مهمی برای فعال ساختن ذهن فراگیر می باشد اشاره کرد.

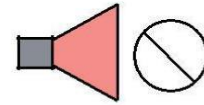
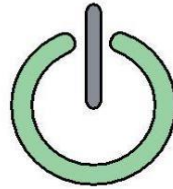
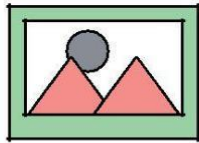
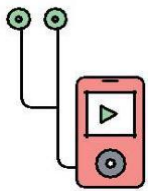
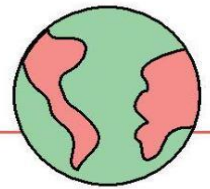
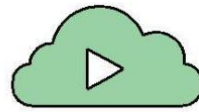
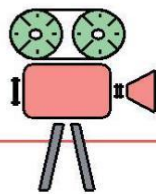
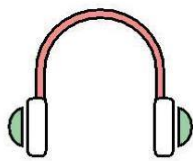




## تاریخچه سبک های یادگیری و شناختی

مطالعه تاثیر تفاوت های فردی در یادگیری از دیرباز مورد توجه پژوهشگران و نظریه پردازان یادگیری و متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. تلاش برای درک چگونگی یادگیری بشر در سال ۴۲۷ قبل از میلاد آغاز شد، هنگامی که سقراط و افلاطون سرچشمه دانش را با نظریه های فیلسوفانه خود مورد بحث قرار دادند فرضیه سازی رسمی در مورد تفاوت های یادگیری هنگامی آغاز شد که هرب تلان در سال ۱۱۵۴ اصطلاح «سبک های یادگیری» را مطرح کرد. پیش از آنکه پژوهش در مورد سبک های یادگیری صورت گیرد، متخصصان تعلیم و تربیت یادگیری را به عنوان کیفیتی انباشته شده در ذهن معلم که آماده انتشار است در نظر می گرفتند، وظیفه و مسئولیت معلم انتشار آن و مسئولیت دانش آموز بهره مند شدن از آن بود. براین اساس اگر دانش آموزی یاد نمی گرفت، مقصر محسوب می شد. در نتیجه آزمون های هوش و آزمون های استاندارد برای غربال کردن دانش آموزانی که تصور می شد برای دریافت و بهره مند شدن از نوع خاصی از آموزش شایستگی ندارند ساخته شدند و گسترش یافتند. این عقیده که تفاوت های موجود در یادگیری افراد صرفاً ناشی از تفاوت های هوش و توانایی آنهاست، تا مدت ها بر دنیای تعلیم و تربیت سایه افکنده بود. امروزه این دیدگاه تغییر یافته و کاملاً مشخص شده است که تفاوت های یادگیری افراد تا حدی بستگی به هوش و توانایی های آنها دارد و عوامل دیگری نظیر ویژگی های شخصیتی و دشواری تکلیف نیز در این امر دخیل هستند.

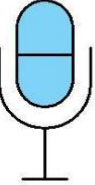
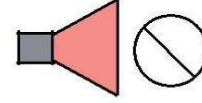
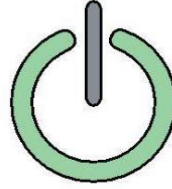
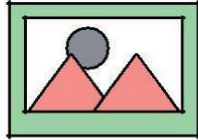
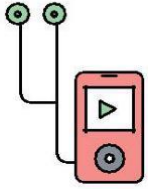
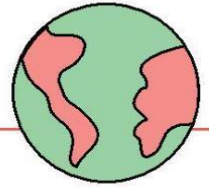
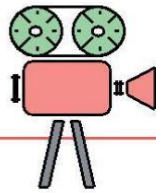
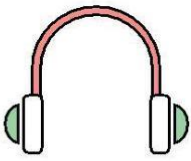




## تعریف سبک های یادگیری و شناختی

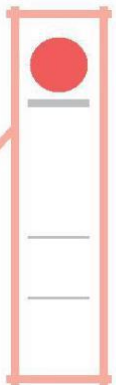
سبک یادگیری به عنوان روشی که یادگیرندگان در یادگیری خود آن را به روش های دیگر ترجیح می دهد، در نظر گرفته شده است. سبک های یادگیری معمولاً به سه دسته شناختی، عاطفی و فیزیولوژیکی تقسیم می شود. سبک های یادگیری شناختی : به روشهایی گفته می شود که شخص چگونه موضوع ها را ادراک می کند به خاطر می سپارد، آنها را تجزیه و تحلیل می کند و مسائل را حل می کند. سبک های یادگیری عاطفی: شامل ویژگیهای شخصی و هیجانی یادگیرنده مانند تنها کار کردن یا با دیگران کار کردن پشتکار و... است. سبک های یادگیری فیزیولوژیکی: جنبه ی زیست شناختی دارند و اینکه فرد برای یادگیری چگونه محیطی را ترجیح می دهد مانند اینکه دانش آموز، ترجیح می دهد در شب مطالعه کند یا اینکه در روز مطالعه کند؟ آیا محیط سرد را برای مطالعه می پسندد یا محیط گرم را؟

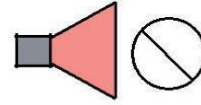
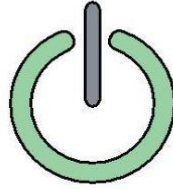
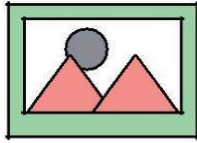
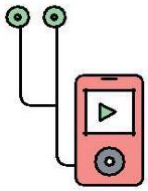
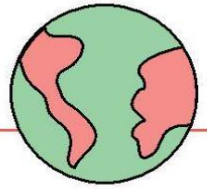
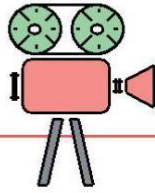
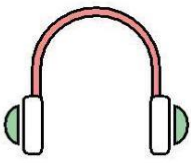




## سبک شناختی و ارتباط آن با هوش و شخصیت

از آنجا که بیشتر رفتارهای آدمیان یاد گرفته می شوند، بررسی اصول یادگیری به ما کمک می کند تا علت های رفتارمان را بفهمیم. آگاهی از فرایند یادگیری نه تنها در فهم رفتار بهنجار و انطباقی به ما کمک می کند، بلکه امکان درک بیشتر شرایطی را که منجر به رفتار ناسازگار و نابهنجار می شود نیز به ما می دهد. همه نظریه پردازان علمی رغم نظریه ها و مدل های متفاوت در زمینه سبک های یادگیری توافق دارند که افراد به شیوه های متفاوتی اطلاعات و تجارب را ادراک، سازمان بندی، تحلیل و پردازش می کنند یعنی افراد به جهان به طور یکسان نمی نگرند و ممکن است هر فرد در مقایسه با دیگری علایق و تمایلات متفاوتی در نحوه یادگیری داشته باشند. و از طرفی امروزه کاملا مشخص شده است که تفاوت های افراد در یادگیری فقط تا حدی به هوش و توانایی های آنها بستگی دارد، چرا که هوش بیانگر قابلیت فرد برای اندیشیدن به طور سازنده، استدلال کردن و حل مساله است. در حالی که سبک شناختی به پردازش رفتارها می پردازد. بنابراین عوامل دیگری نظیر ویژگی های شخصیتی، دشواری تکلیف ها و تفاوت سبک ها نیز در این امر دخیل اند. شناسایی این عوامل و رفع مشکلات و نارسایی ها در سیستم آموزشی بسیار مهم است. شاید یکی از دلایل تأثیرگذار بر عملکرد ضعیف برخی از دانش آموزان، سبک یادگیری<sup>۳</sup> نادرست آنها یا ویژگی مسلط شخصیتی آنان می باشد. شناسایی رفتارها و سبک های یادگیری دانش آموزان و ویژگی های شخصیتی آنان در مواجهه با تکالیف به منظور دست یابی به روش های مؤثر مطالعه و یادگیری آنها، می تواند بر بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان در دروس تأثیر بگذارد. با هماهنگ کردن ابعاد شخصیت و یادگیری، کارکنان و دانش آموزان تجربه جامعی را دریافت خواهند کرد و همزمان فرصت پیشرفت مؤثر برای سازمان ها، مدیریت و کارگزاران منابع انسانی، معلمان و برنامه ریزانی ایجاد می شود که می خواهند فعالیت های آموزشی را غنی سازند و به این روش تأثیر سازمان افزایش می یابد. زمانی که سبک های یادگیری و نوع ترجیحات دانش آموزان شناسایی و در نظر گرفته شود، انگیزش آنها برای یادگیری افزایش می یابد و زمانی که دانش آموزان برای یادگیری بیشتر انگیزه می شوند پتانسیلی برای یادگیری گسترده وجود دارد. بنا براین مطالعه سبک های یادگیری جهت بهبود تدریس و عملکرد یادگیرندگان می تواند همچنان از مباحث مهم پژوهشی در جهان محسوب گردد.

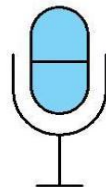
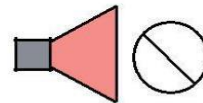
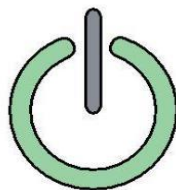
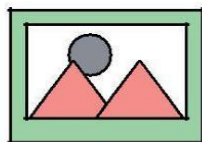
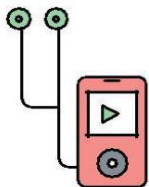
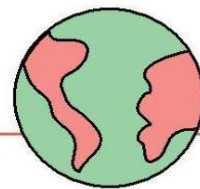
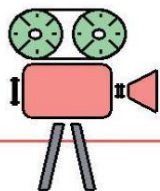
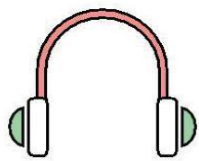




## اهمیت شناخت سبک‌های یادگیری

به اعتقاد ولفولک سبک یادگیری را می‌توان توجیه‌کننده بسیاری از تفاوت‌های فردی در کلاس دانست پس معلم باید حق انتخاب نوع سبک یادگیری را برای یادگیرندگان خود فراهم سازد. ویتکین (۱۹۸۷) معتقد است توجه معلمان و برنامه‌ریزان درسی به سبک شناختی افراد که ریشه در تفاوت‌های فردی آنها دارد موجب تسهیل در یادگیری و فرایند آموزشی خواهد شد. دانش‌آموزانی هستند که در یادگیری و پیشرفت تحصیلی مشکل دارند و معلمان با عدم آگاهی از سبک‌های شناختی‌شان اقدام به تدریس می‌کنند و این امر منجر به افت تحصیلی آن‌ها می‌شود بنا براین دانستن اینکه دانش‌آموزان با چه سبک‌هایی یاد می‌گیرند به معلم این امکان را می‌دهد که برنامه درسی خود را به طریقی تنظیم کند که با سبک‌های یادگیری مورد استفاده دانش‌آموزان همخوانی داشته باشد چرا که اگر سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان با سبک‌های آموزشی معلمان همخوان باشد علاوه بر این که امر یادگیری در آن‌ها موفقیت‌آمیزتر خواهد بود بلکه امکان فعالیت‌های موثر بیشتری را برای دانش‌آموزان فراهم خواهد کرد. از آنجایی که تاثیر سبک یادگیری به خود می‌تواند اثرات وسیع و بسزایی بر اثر بخشی و کارایی آموزش بر جای گذارد. دانش در این زمینه به مدرسان کمک می‌کند تا بتوانند با توجه به تفاوت سبک-های یادگیری با روشی منظم آموزش‌های متفاوت را در کلاس به کار گیرند و بدون تردید این مسئله باعث بهبود کیفیت یادگیری در یادگیرندگان خواهد شد. تحقیقات نشان داده اند که سازگار کردن مواد آموزشی برای برآورده کردن نیازهای گوناگون یادگیری دانش‌آموزان می‌تواند برای آنها سودمند باشد. بنابراین لازم است تا بدانیم که سبک‌های ترجیح داده شده افراد چه هستند. و اینکه به آنها نشان دهیم که چه مواد آموزشی می‌تواند برای آنها سودمند باشد. در مجموع می‌توانیم بگوییم هر سبک یادگیری یک ویژگی شخصیتی است که ممکن است برای یادگیرنده مناسب‌ترین باشد لذا معلم باید روشهای آموزشی و ارتباطی خود را تا آنجا که ممکن است با یادگیری دانش‌آموزان وفق دهد با این حال معلم نباید تفاوت‌های فردی را از نظر دور بدارد. بلکه همواره باید به یادگیرندگان فرصت دهد تا در موقعیتهای گوناگون و در تکالیف متفاوت سبک‌های مناسب را به کار ببندد و بیشترین استفاده را ببرد. بنابراین زمانی که سبک‌های یادگیری و نوع ترجیحات دانش‌آموزان شناسایی و در نظر گرفته شود، انگیزش آنها برای یادگیری افزایش می‌یابد و زمانی که دانش‌آموزان برای یادگیری بیشتر انگیزه می‌شوند پتانسیلی برای یادگیری گسترده وجود دارد.

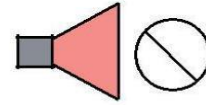
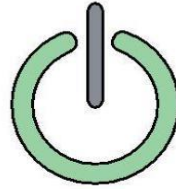
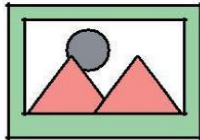
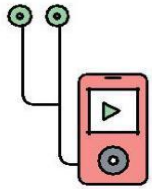
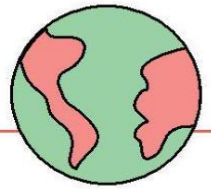
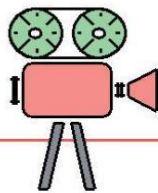
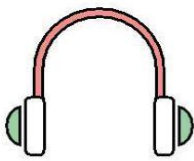




## تفاوت سبک های یادگیری با سبک های شناختی

یکی از عواملی که در تفاوت های یادگیری افراد نقش مهمی « سبک » است. سبک، سطح هوش یا صفت شخصیتی نیست بلکه تعامل هوش و شخصیت است. قبل از بررسی سبک های یادگیری توضیح این مطلب ضروری به نظر می رسد که اصطلاح سبک های یادگیری و سبک های شناختی به طور گسترده ای به وسیله نظریه پردازان به کار می رود و تعاریف متفاوتی برای آنها ارائه شده است. واقعیت این است که در ادبیات پژوهشی اصطلاح سبک های شناختی قبل از اصطلاح سبک های یادگیری به کار رفته است، اما از موقعی که اصطلاح سبک های یادگیری به کار گرفته شده است، گاه این دو اصطلاح به صورت مترادف به کار برده شده اند. همچنان که ذکر شد سبک های شناختی معمولاً دارای دو قطب هستند، ولی سبک های یادگیری معمولاً بیش از دو قطب دارند، و گاهی نیز هر قطب دارای چند بعد می باشد. در سبک یادگیری افراد می توانند در هر جای محور یک بعد قرار گیرند درحالی که در سبک های شناختی معمولاً افراد در یکی از قطب های محور قرار می گیرند. با این حال یک حد و مرز دقیقی که سبک های یادگیری و شناختی را از هم جدا سازد وجود ندارد، آنچه مسلم است اینکه سبک یادگیری، سبک شناختی را نیز در دل خود دارد، و یا به عبارت دیگر یکی از انواع سبک های یادگیری، سبک های شناختی می باشد.





## تفاوت سبک های یادگیری و شناختی با راهبردهای یادگیری

در قلمرو سبک یادگیری، اصطلاحات بسیاری ارائه شده است که شبیه به یکدیگر به نظر می رسد اما در واقع با هم متفاوتند. به منظور روشن ساختن تفاوت این اصطلاحات با یکدیگر، کوری آنها را طبقه بندی کرده و برای هر یک توضیح مختصری داده است.

-ترجیح یادگیری: ترجیح یک روش تدریس بر روش دیگر تدریس.

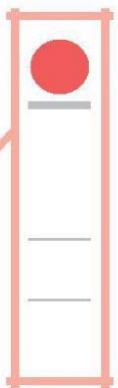
-راهبرد یادگیری: استفاده از طرحی عملی برای کسب دانش ها، مهارت ها و نگرش ها.

-سبک یادگیری: استفاده از یک روش پایدار برای کسب دانش.

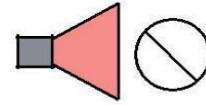
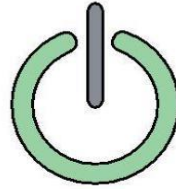
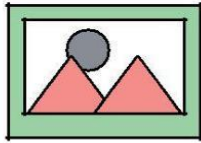
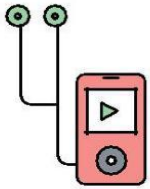
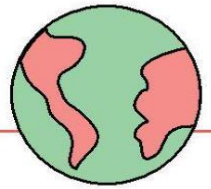
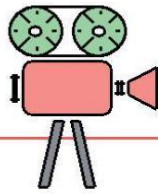
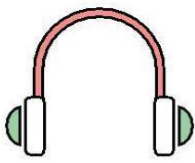
-راهبرد شناختی: استفاده از طرحی عملی در فرایند سازماندهی و پردازش اطلاعات.

-سبک شناختی: روشی نظام دار و پایدار برای سازمان دهی و پردازش اطلاعات.

سبک ویژگی های نسبتاً ثابت هر فرد است. در صورتی که راهبرد یادگیری روشی است که برای سازگاری با موقعیت ها و تکالیف مورد استفاده قرار می گیرد. از طرف دیگر، راهبرد ها از یک زمان به زمان دیگر متفاوتند و می توان آنها را یاد گرفت و گسترش داد. در صورتی که سبک ها باثبات اند و تا حدودی ویژگی های ذاتی افرادند. وانیستاین و هیوم راهبرد شناختی را به هر گونه رفتار، اندیشه یا عملی اطلاق می کنند که با یکدیگر به منظور کمک به فراگیری، سازماندهی، ذخیره سازی و بهره برداری دانش ها و مهارت ها، ضمن یادگیری از آنها استفاده می کند. در مجموع راهبرد به نقشه کلی یا مجموعه ای از عملیات گفته می شود که برای رسیدن به هدف معینی طرح ریزی می شود.



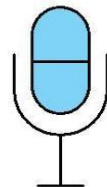
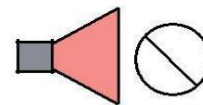
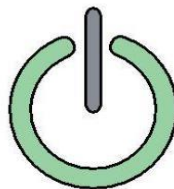
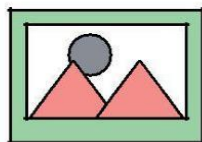
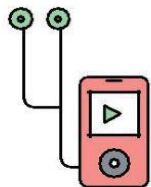
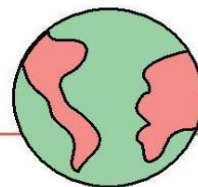
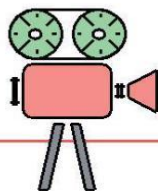
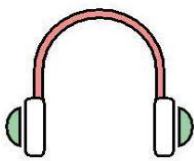




سبک ها و راهبردها چه بسا با توجه به میزان هوشیاری نیز از یکدیگر متمایز می شوند: سبک ها بدون آگاهی فرد عمل می کنند ولی راهبردها انتخاب آگاهانه راه حل ها را شامل می شوند. بنابراین، هر چند این دو اصطلاح را برخی از نویسندگان مانند کرونباخ و اسنوا به جای یکدیگر به کار می گیرند، به طور کلی راهبردها برای موقعیت های مرتبط با تکلیف به کار برده می شوند، در حالی که سبک ها درجه بالاتری از ثبات را شامل می شوند و در جایی بین توانایی و راهبرد قرار می گیرند.

هدف از مقایسه سبک های یادگیری با سبک های شناختی این است که اولاً: سبک های یادگیری کلی تر از سبک های شناختی هستند و سبک های شناختی جزئی از سبک های یادگیری محسوب می شوند. بنابراین زمانی که از سبک یادگیری نام می بریم باید بدانیم که سبک شناختی هم در دل خود نهفته دارد. ثانیاً: راهبردها ویژگی های ناپایداری هستند که از موقعیتی به موقعیت دیگر متغیرند اما سبک های یادگیری ویژگی های نسبتاً ثابت افراد هستند.



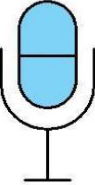
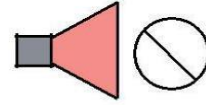
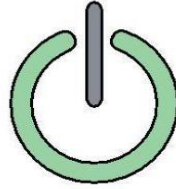
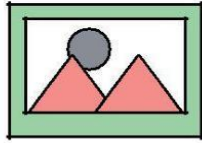
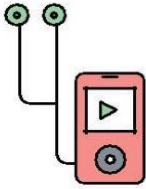
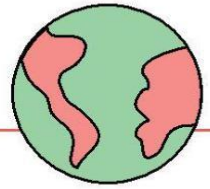
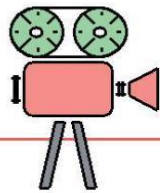
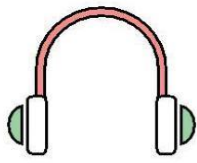


## عوامل موثر در یادگیری

### آمادگی

شاگرد باید از لحاظ جسمی ، عاطفی ، عقلی و ... رشد کافی کرده باشد تا بتواند بخوبی یاد بگیرد و یادگیری زمانی برایش مفید خواهد بود که از هر نظر آمادگی لازم داشته باشد. او حتی اگر بعضی از جنبه‌های آمادگی را کسب نکرده باشد، یادگیری برایش خستگی آور و کسل کننده خواهد شد و چندان پیشرفتی نخواهد کرد. مثلا در یادگیری نوشتن ، اعصاب و عضلات دست و انگشتان باید به قدر کافی رشد کرده و آمادگی داشته باشند. اگر کودکی را که از لحاظ جسمی و روانی آمادگی یاد گرفتن و نوشتن را ندارد، تعلیم بدهیم، جریان یادگیری او در این زمینه حتی در سال‌های بعدی به کندی پیش خواهد رفت، در صورتی که اگر همین کودک در سنی که آمادگی کافی دارد، تحت تعلیم قرار گیرد، نوشتن را زودتر فرا خواهد گرفت و در این زمینه سریعتر پیشرفت خواهد کرد. آمادگی در زمینه‌های مختلف متفاوت است. ممکن است فرد از لحاظ عقلی آماده باشد ولی از نظر عاطفی نسبت به امر مورد نظر فاقد احساس مطبوع باشد. مثلا ترس از معلم احساس عدم امنیت ، دلهره ، اضطراب و پریشانی فکر ممکن است یادگیری را در زمینه مورد نظر مختل کند. رشد و آمادگی ذهنی افراد نیز در فهم و یادگیری علوم مختلف متفاوت است. مثلا ممکن است شاگردی در مرحله‌ای از رشد خود آماده درک علوم تجربی باشد، ولی برای درک علوم اجتماعی هنوز آمادگی لازم را بدسن نیاورده باشد. بنابراین ، معلم باید آمادگی هر یک از شاگردان خود را تدریس مواد درسی در نظر داشته باشد و فعالیت‌های آموزشی خود را متناسب با سطح آمادگی آنان عرضه کند



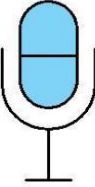
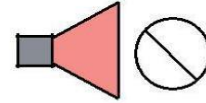
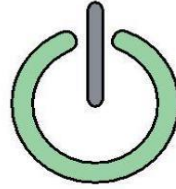
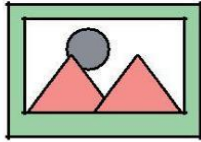
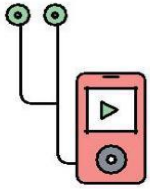
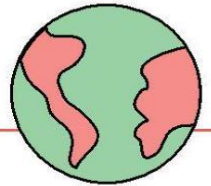
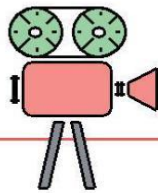
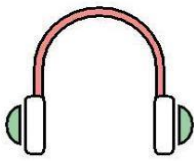


## تجارب گذشته

آموخته‌ها و تجارب گذشته شاگرد ساخت‌شناختی وی را تشکیل می‌دهد. آمادگی شاگرد در حد وسیعی تحت تاثیر تجارب گذشته اوست. فرد زمانی می‌تواند مفاهیم و مسائل جدیدی را درک کند که مفهوم و مساله جدیدی با ساخت‌شناختی او مرتبط باشد. در واقع، فرایند یادگیری همچون روند رشد است. همچنان که رشد جریانی دائمی است، یعنی گذشته، حال و آینده آنان با هم ارتباط دارد، یادگیری نیز جریانی است که تجارب گذشته پایه و اساس وضع فعلی آن را تشکیل می‌دهد و آنچه فرد در آینده خواهد آموخت باید متناسب با تجارب او در زمان حاضر باشد

فرد وقتی مفهومی را واقعا می‌آموزد که پایه و ریشه در تجارب گذشته‌اش داشته باشد. اگر این ارتباط برقرار نشود، یادگیری به معنی خاص خود صورت نخواهد گرفت. بنابراین معلم همواره باید فعالیت‌های آموزشی را بر اساس تجارب گذشته شاگردان و متناسب با ساخت‌شناختی آنان طراحی و اجرا کند. توجه به این امر شرط اساسی موفقیت در کارها تربیتی است. معلم آگاه در فعالیت‌های آموزشی و پرورشی ابتدا زمینه‌ها و تجارب گذشته شاگرد را بررسی می‌کند، توان او را برای درک و هم مسئله جدیدی می‌سنجد و مفاهیم جدید را با توجه به سطح دانش او ارائه می‌دهد. مثلا اگر معلم ریاضی در تدریس مفهوم تازه، زمینه‌های قبلی شاگردان را به دست فراموشی بسپارد و آموزش خود را بدون توجه به مطالب و دانش قبلی آنان در این زمینه آغاز کند، هرگز موفق نخواهد بود. البته ممکن است در اینها سوال مطرح شود که با توجه به اینکه تجارب گذشته شاگردان یک کلاس، دلیل تفاوت در شکوفایی استعداد، محیط خانواده و سطح تربیت والدین یکسان نیست. چگونه ممکن است معلم روش تدریس خود را متناسب با تجارب همه شاگردان انتخاب کند. اگر چه چنین امری کار آسانی نیست، اختلاف سطح دانش‌آموزان را می‌توان از طریق آموزش ترمیمی یا فعالیت‌های متنوع دیگر که به حل این مسئله کمک می‌کند، از میان برد

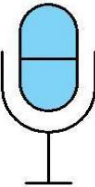
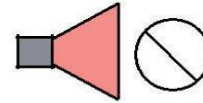
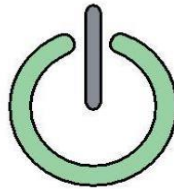
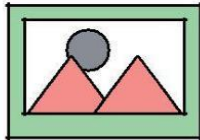
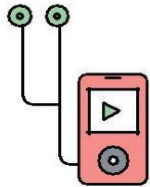
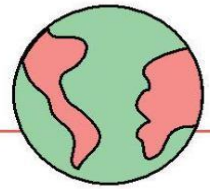
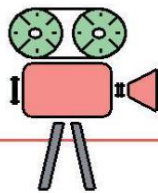
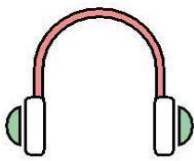




## انگیزه و هدف

یادگیری معلول انگیزه‌های متفاوتی است. یکی از این انگیزه‌ها که نقش مهمی در جریان یادگیری میل و رغبت شاگرد به آموختن است. رغبت هر کس است که نیروی فعالیت را افزایش می‌دهد. برای اینکه شاگردان در ضمن یادگیری فعال باید به موضوعی که می‌خواهند قرا بگیرند علاقمند باشند. برای ایجاد رغبت، لازم نیست موضوعات درسی را به طور تصنعی جالب توجه نشان داد، همینکه مطالب و مفاهیم درسی بر اساس نیاز شاگردان تنظیم شده باشد و مسائل اساسی و واقعی آنان را مطرح سازد و به آنان در برخورد با محیط کمک کند، رغبت آنان برانگیخته خواهد شد یکی دیگر از عوامل ایجاد انگیزه، هدف است. هدف به فعالیت انسان و جهت و نیرو می‌دهد. اگر انسانی در طول زندگی خود هدف قابل وصولی نداشته باشد، پویایی و حرکت خود را از دست خواهد داد. هدف ارزشمند، فرد را به خواستن و طلب کردن وادار می‌کند. در مدارس، هدف‌های تربیتی باید انعکاس از احتیاجات و تمایلات شاگردان باشد و بطور واضح بیان شود. معلم و دانش آموز باید بدانند غرض از فعالیت‌های آموزشی در یک مقطع زمانی خاص چیست. مشخص بودن هدف‌ها در مدرسه، سبب هماهنگی پیش فعالیت‌های معلم و شاگرد می‌شود و آنان را به اجرای فعالیت‌های متنوع بر می‌انگیزد و جهت و میزان پیشرفت آنان را نشان می‌دهد، محیط مدرسه و کلاس را آموزنده و نشاط آور می‌سازد و سطح یادگیری شاگردان را گسترش داده و یادگیری را عمیق‌تر و موثرتر می‌کند.

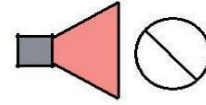
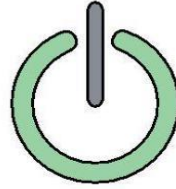
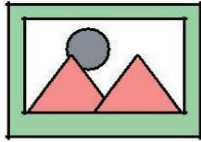
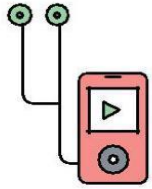
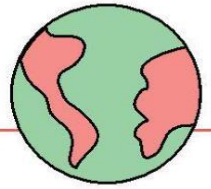
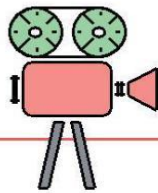
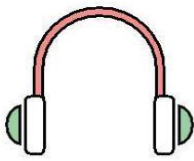




## موقعیت و محیط یادگیری

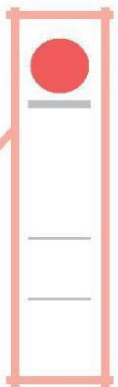
موقعیت و محیط یادگیری از عوامل بسیار موثر در یادگیری است. محیط مانند نور، هوا، تجهیزات و امکانات آموزشی. طبیعی است هر چه امکانات آموزشی، کتابخانه و منابع مختلف علمی مناسب‌تر و بیشتر باشد، یادگیری شاگردان در مقایسه با یادگیری شاگردان مدرسه‌ای که دارای فضای مناسب نیست و در آن جز کتاب درسی منابع دیگری یافت نمی‌شود بسیار متفاوت خواهد بود. محیط ممکن است عاطفی باشد. رابطه معلم و شاگرد، رابطه شاگردان با هم، رابطه والدین با هم و نگرش والدین و مربیان در زمینه تربیت کودکان، همگی می‌تواند در میزان یادگیری شاگردان موثر باشد. موقعیت آموزش منظم همراه با محبت و احترام متقابل، نسبت به محیط‌های خشک و تهی از عواطف، تاثیر بیشتری در یادگیری احترام متقابل، نسبت به محیط‌های خشک و تهی از عواطف، تاثیر بیشتری در یادگیری خواهد داشت. عاطفه به عنوان یک عامل بسیار موثر می‌تواند در جریان یادگیری عمل کند. عواملی نظیر عدم امنیت، ترس، اضطراب، نوسیدی، شک و تردید می‌توانند در فعالیت‌های آموزشی از همه امکانات یاد شده برخوردار باشد، شاگرد را به کنجکاوی و تلاش برای یادگیری و حل مسائل ذهنی خود وارد می‌سازد. البته محیط و موقعیت تلاش برای یادگیری و حل مسائل ذهنی خود وادار می‌سازد. البته محیط و موقعیت یادگیری باید متناسب با آمادگی، استعداد، نیاز و گرایش شاگردان باشد. اگر مجموعه عوامل موجود در محیط برای شاگرد برانگیزنده و قابل درک نباشد، مساله‌ای در ذهن او ایجاد نخواهد شد یا در صورت وجود مساله، شاگرد توانایی حل آن را نخواهد داشت. به هر حال، امکانات محیط آموزشی، اعم از نیروی انسانی و تجهیزات، وضع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده نگرش والدین و مربیان نسبت به تحصیل و آموزشگاه و هزاران عامل محیطی دیگر می‌تواند در کیفیت و کمیت یادگیری شاگردان موثر باشد.

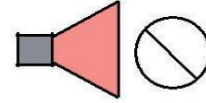
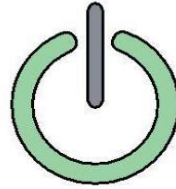
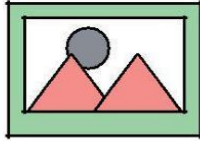
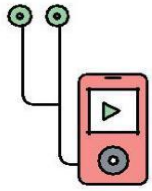
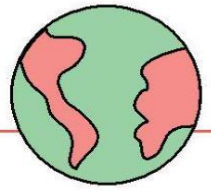
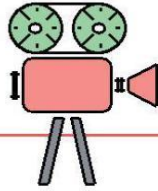
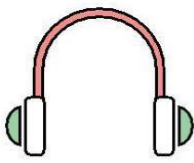




## روش تدریس معلم

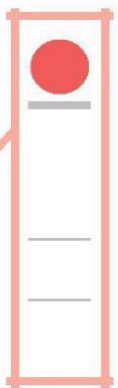
در کنار شرایط و امکانات آموزشی نیرویی انسانی و بویژه معلم ، از مهمترین عوامل تشکیل دهنده محیط‌های آموزشی است. تاثیر موقعیت و امکانات مناسب بر هیچ فردی پوشیده نیست. اما امکانات و تجهیزات بدون وجود معلم کارایی لازم را نخواهد داشت. معلم با شناخت امکانات به تجهیز مناسب محیط آموزشی می‌پردازد. محیط و امکانات آموزشی را سازماندهی می‌کند، موقعیت آموزشی مناسب را بوجود می‌آورد و با شناخت استعداد ، علایق و توانایی شاگردان ، آنان را در طریق صحیح یادگیری هدایت می‌کند .البته چنین نقشی به دانش و اعتقادات معلم بستگی دارد. اگر چه کنجکاوی و ارضای آن را بدیهی ترین احتیاجات شاگردان است. اگر معلم با نظریه ها و اصول یادگیری آشنا نباشد و تدریس را فقط انتقال واقعیت‌های علمی بداند و تجارب یادگیری را منحصر به نشستن در کلاس ، گوش دادن و حفظ کردن مطالب شنیده شده یا نوشته شده در کتاب تصور کند، مسلم است که در تقویت کنجکاوی و پرورش استعداد و تفکر علمی شاگردان چندان موفقیتی به دست نخواهد آورد. زیرا شاگرد که همواره علاقمند به فکر کردن است. در بررسی عوامل مختلف باید فرصت حرکت و جنبش داشته باشد تا بتواند به هدف‌های آموزشی برسد. یادگیری بدون تلاش و فعالیت و تعامل با محیط صورت نخواهد گرفت .کسی که می‌خواهد یاد بگیرد باید فعالیتی متناسب با علایق و توان خود داشته باشد. و اگر در روش تدریس معلم این نکات در نظر گرفته نشود، مدرسه و کلاس برای شاگرد جالب توجه و جذاب نخواهد بود، اما اگر معلم خود را راهنما و ایجادکننده شرایط مطلوب یادگیری بداند و بجای انتقال اطلاعات ، روش کسب تجربه را به شاگردان بیاموزد، آنان در برخورد با مسائل فعال تر خواهند شد، از منابع مختلف استفاده خواهند کرد، اطلاعات لازم را به دست خواهند آورد، به سازماندهی آن خواهد پرداخت و آن را تحلیل خواهند کرد تا به حل مسائل نایل شوند .با چنین روشی ، شاگرد نه فقط حقایق علمی را فرا می‌گیرد. بلکه با روش‌های علمی کسب معرفت نیز آشنا خواهد شد، طرز کار را با منابع مختلف و نحوه استفاده از مطالب درسی برای حل مساله را خواهد آموخت و در فرایند یادگیری ، ابتکار و خلاقیت خود را به کار خواهد انداخت.

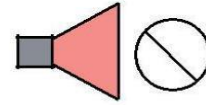
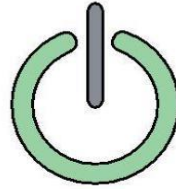
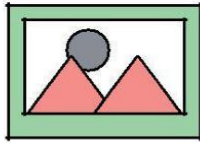
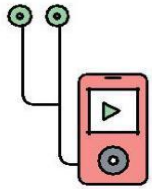
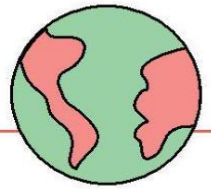
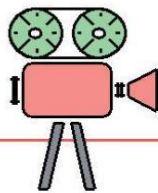
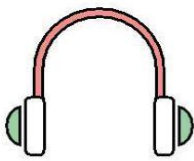




## توجه به کل

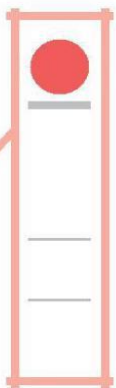
به جای جز طرفداران مکتب گشتالت معتقدند کل ، اجزا را در یک طرح و زمینه قرار می دهد و ارتباط آنها را روشن می سازد. به نظر ایشان ، اجزا به تنهایی بی معنی و نامفهوم هستند ولی وقتی در یک طرح زمینه قرار بگیرند، معنی و مفهوم آنها روشن می شود. طرح یا کل قابل انتقال و تعمیم است، اما اجزا و کیفیت خالص آنها این خصوصیت را ندارد طرح یا کل ، عناصر را مشخص می سازد و آنها را در یک زمینه خالص به هم ارتباط می دهد .مطالعه فرایند یادگیری نشان خواهد داد که حرکت از کل به جز روند یادگیری را بهتر و فهم مطالب را آسان تر می کند. اجزا به تنهایی بی معنی و نامربوط هستند و در طرح و کل ، معنی پیدا می کنند. البته کل معادل مجموع اجزا نیست و بررسی تک تک اجزا و روی هم قرار دادن آنها سبب تصور کل نمی شود. کل عبارت است از نحوه ارتباط و پیوند اجزا با هم و تا این ارتباط مشخص نشود، اجزا قابل فهم نیستند .در جریان تدریس ، معلم باید در حد امکان ، ابتدا مطالب درسی را به صورت کل مطرح کند و ارتباط اجزا با کل را مشخص سازد و پس از آن به بررسی و تحلیل اجزا بپردازد. مطالعه جزئیات بدون در نظر گرفتن رابطه آنها با هم و همچنین رابطه آنها با کل ، موجب پریشانی فکر خواهد شد، در حالی که مطالعه از کل به جز با مشخص کردن روابط جز با کل ، قدرت تحلیلی در فراگیران می دهد و در نتیجه یادگیری معنی دار می شود. به عبارت دیگر ، حفظ و فکر و تکرار ، جای خود را به فهم و اندیشه می دهد



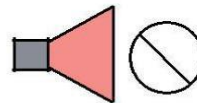
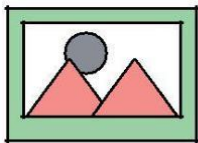
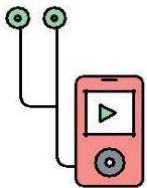
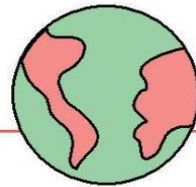
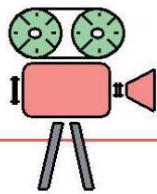
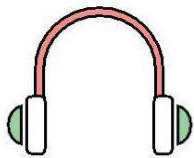


## تمرین و تکرار

برای بسیاری از دست‌اندرکاران آموزش و پرورش، هنوز این سوال‌ها مطرح است: تمرین چه نقشی در فرایند یادگیری دارد؟ آیا پیشرفت یادگیری مستقیماً تابع تکرار است؟ اگر چنین نیست، شرایط تمرین و تکرار چیست؟ مساعدترین موقعیت برای تمرین کدام است؟ تکالیف تکراری مدارس می‌تواند برای شاگردان مفید باشد یا نه؟ در پاسخ به سوالات مطرح شده باید گفت: تاثیر تمرین و تکرار در کل فرایند یادگیری و حیطه‌های مختلف آن بویژه در حیطه روانی - حرکتی، انکار ناپذیر است. همه این ضرب‌المثل قدیمی در کار نیکو کردن از پر کردن است، را شنیده‌اند و واقفند که بازی روی یخ یا رانندگی فقط در نتیجه تمرین و تکرار یاد گرفته می‌شود. و اگر تکرار نشوند، دیر یا زود به دست فراموشی سپرده خواهند شد. ولی این نکته نیز غیر قابل انکار است که کیفیت اجرای تمرین، مقدار و زمان آن نقش بسیار مهمی در تثبیت یا عدم تثبیت رفتار دارد. چنانکه آزمایش‌های متعدد نشان داده است، اجرای تمرین در زمان غیر متمرکز، اثر یادگیری بیشتری نسبت به اجرای تمرین در زمان متمرکز دارد. مثلاً شاگرد موضوع مورد یادگیری را در دو تمرین بیست دقیقه‌ای، زودتر از یک تمرین چهل دقیقه‌ای یاد می‌گیرد. از همین رو، تمرین و تکرار موثر باید شرایط و ویژگی خاصی داشته باشد، از جمله اینکه باید منظم و مرتب و طول دوره‌های آن مناسب باشد و در شرایط واقعی و طبیعی انجام پذیرد. اگر شاگرد در اوضاع و احوال ساختگی و غیر طبیعی تمرین کند، مطلع شود. زیرا اطلاع از پیشرفت، او را به کوشش وادار می‌دارد. تمرین نباید بیش از حد طولانی و خستگی‌آور باشد. هر گاه عملی به طور سریع و متوالی تکرار شود، اغلب موجب کاهش کارایی تمرین می‌شود. به این معنی که شخص در انجام دادن آن عمل به تدریج کندتر و ضعیف‌تر می‌شود، تا اینکه سرانجام از انجام دادن آن سرباز می‌زند. در واقع خستگی یادگیری را کاهش می‌دهد.







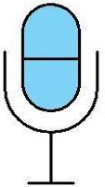
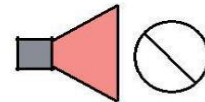
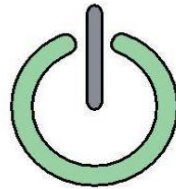
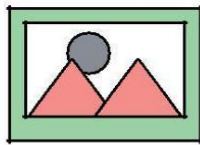
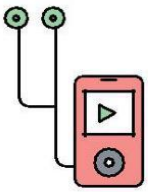
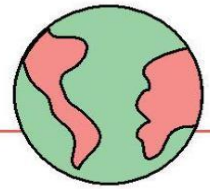
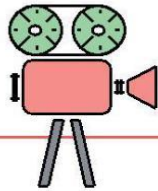
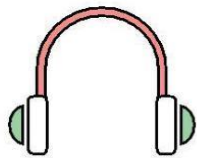
## رویکردها در حوزه سبک شناختی

نظریه ها و مدل های بسیاری برای توصیف سبک های یادگیری / شناختی مطرح شده است. اگر چه از نظر اصطلاح شناسی بین نظریه پردازان تفاوت وجود دارد، اما همه آنها بر این نکته تاکید دارند که روش ثابت و متمایزی برای رمزگردانی، ذخیره و اجرا وجود دارد که به طور اساسی از هوش مستقل است. استرنبرگ و گریگورنکو سبک های یادگیری و شناختی را به صورتی بسیار جامع و جالب تقسیم بندی کرده اند. آنها سبک های مختلف ارائه شده به وسیله نظریه پردازان را تحت سه رویکرد کلی سبک های شناخت محور، شخصیت-محور و فعالیت-محور طبقه بندی کرده اند.

## الف) رویکرد سبک های شناخت – محور

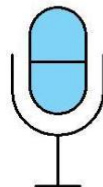
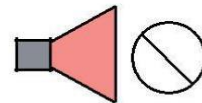
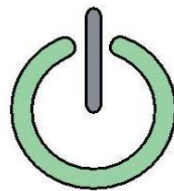
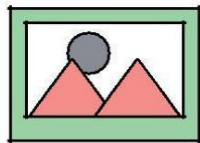
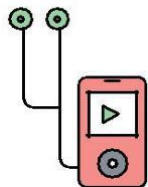
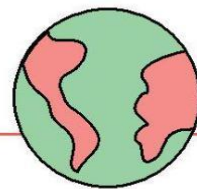
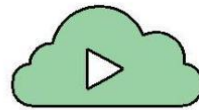
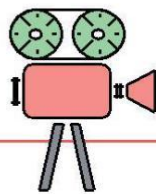
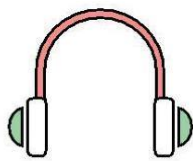
سبک های شناخت-محور در دهه ۵۰ و اوایل ۶۰ ایجاد شدند، بنا به این اعتقاد که سبک ها می توانند پلی بین مطالعه شناخت (ادراک، یادگیری، تفکر) و شخصیت فراهم آورند. سبک های مختلفی که مطرح شده اند بیشتر به مفهوم شناخت نزدیک هستند تا شخصیت. برخی از مهم ترین این سبک ها عبارتند از:





**۱. سبک های وابسته – ناوابسته به زمینه.** ممکن است با افرادی مواجه شده باشید که به راحتی قادرند اشیاء را در جایی پیدا کنند که کاملاً به هم ریخته است. در حالی که دیگران قادر به چنین کاری نیستند. ویتکین (۱۹۶۲) سبک وابسته- ناوابسته به زمینه را برای نشان دادن چنین تفاوت هایی معرفی کرد. به عقیده ویتکین افراد را می توان برحسب میزان وابسته بودن تا ناوابسته بودن به ساختارهای موجود در حوزه دیداری طبقه بندی کرد. یادگیرنده، وابسته به زمینه فردی است که اطلاعات را به طور کلی و یکپارچه پردازش می کند، کمتر به طور تحلیلی عمل می کند و به جزئیات توجه ندارد و زمینه ادراک را به صورت کلی در نظر می گیرد. کلی بودن از تحلیلی بودن و تجزیه کردن جلوگیری می کند. یادگیرنده ناوابسته به زمینه فردی است. که به سادگی زمینه را به اجزای آن تجزیه می کند. او معمولاً تحت تاثیر ساختار موجود قرار نمی گیرد می تواند به طور مستقل از زمینه ادراکی انتخاب کند. افراد وابسته به زمینه جهت گیری اجتماعی تری دارند این رو به پاداش تنبیه بیشتر پاسخ می دهند. آنها هنگامی که مواد آموزشی سازمان یافته نباشد نیاز بیشتری به دستورالعمل های صریح دارند و کمتر قادر به تجزیه و تحلیل هستند. بنا به نظر ویتکین یادگیرندگان وابسته به زمینه نسبت به یادگیرندگان ناوابسته به زمینه جهت گیری اجتماعی تری دارند، و به نشانه های اجتماعی توجه بیشتری دارند. آنها دوست دارند با دیگران باشند و در جستجوی موقعیت های آموزشی یا شغلی ای هستند که با افراد دیگر در تماس و تعامل باشند.

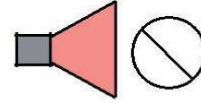
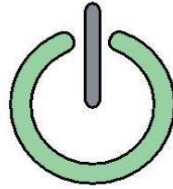
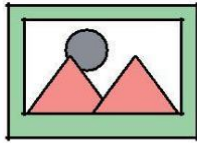
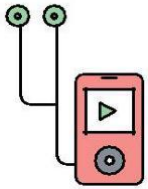
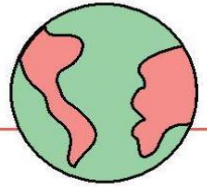
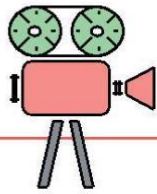
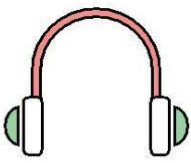




**یادگیرندگان وابسته – ناوابسته** به زمینه از نظر عملکرد آموزشی با یکدیگر تفاوت دارند. لذا، آنها باید

راهبردهای آموزشی متفاوتی را به کار گیرند. یادگیرندگان وابسته به زمینه در موقعیت هایی که متن یا زمینه مهم است، نظیر موقعیت های اجتماعی، ادبی و تاریخی عملکرد بهتری دارند. یادگیرندگان وابسته به زمینه در حوزه های علوم انسانی موفق تر هستند، چون آنها در این حوزه ها با مباحث کلی سرو کار دارند نه با جزئیات. برعکس یادگیرندگان ناوابسته به زمینه در حوزه های مربوط به علوم پایه نظیر ریاضیات، فیزیک و زیست شناسی موفق تر هستند. این افراد به سادگی هدف های عینی را تجزیه و تحلیل می کنند. آنها در علمی که با جزئیات سروکار دارند بهتر عمل میکنند. یادگیرندگان وابسته به زمینه در موقعیت های گروهی مثل بحثهای گروهی و مطالعات گروهی که با همکلاسی ها در ارتباط متقابل هستند توانایی یادگیری بیشتری دارند، در حالی که یادگیرندگان ناوابسته به زمینه بیشتر مایل هستند به صورت انفرادی آموزش ببینند، یعنی آنها خودانگیخته و دارای انگیزه شخصی هستند و مایلند مطالب و مواد درسی را شخصاً سازماندهی کنند و کمتر تقویت بیرونی را می پذیرند.





## ویژگی های معلمان نابسته به زمینه

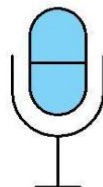
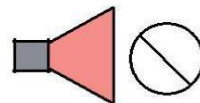
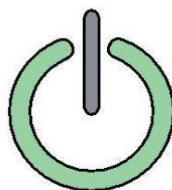
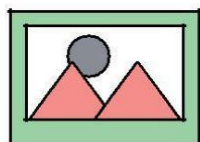
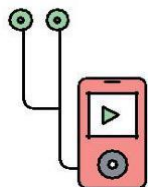
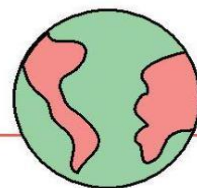
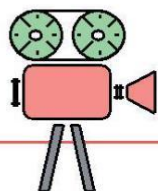
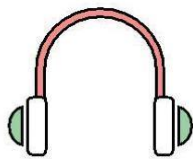
اینگونه معلمان موقعیت های آموزشی غیر شخصی با به اصطلاح خشک را بیشتر ترجیح می دهند و غالباً بر جنبه های شناختی و نظری آموزش تاکید می کنند. معلمان فارغ از زمینه سؤال کردن را مهمترین وسیله ی آموزشی می دانند که از طریق آن موضوع های درسی را معرفی می کنند و دانش آموزان را به پردازش اطلاعات وامی دارند. معلمان فارغ از زمینه از اینکه دانش آموزان، پایین تر از توان خود کار کنند ناخرسندند ؛ اشکالات آنان را گوش زد می کنند .

## ویژگی های معلمان وابسته به زمینه :

رقراری تعامل با یادگیرندگان و بحث کلاسی را می پسندند. این معلمان سؤال کردن را بیشتر به عنوان وسیله ی برای ارزشیابی یادگیری دانش آموزان پس از آموزش خود مورد استفاده قرار می دهند. یادگیرندگان را در سازمان دادن محتوای درس شرکت می دهند و آنان را در تدوین اصول تشویق می کنند. تمایلی به انتقاد کردن ز دانش آموزان خود ندارند و بیشتر به ایجاد و حفظ رابطه ی اجتماعی مثبت با دانش آموزان علاقه مندند و یادگیری موضوعات درسی برای آنان در درجه ی دوم اهمیت قرار دارد.

**سنجش :** برای تشخیص افراد با سبک های وابسته به زمینه و سبک های نابسته به زمینه از آزمون شکل های نهفته استفاده می شود. در این آزمون تعدادی تصویر وجود دارد که آزمون شونده باید شکل ها را از زمینه هایشان جدا کند.

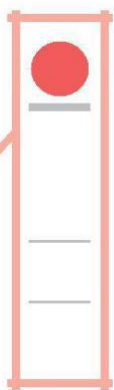


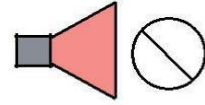
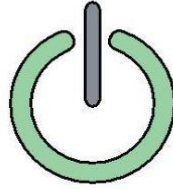
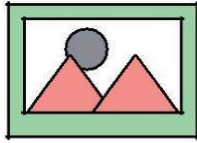
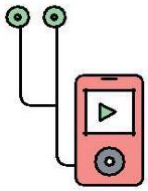
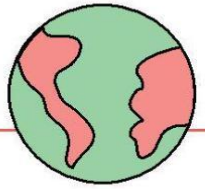
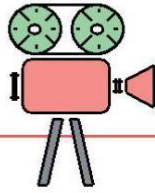
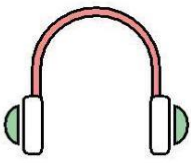


## سبک تکانشی - تاملی

این سبک به عنوان «سرعت مفهومی» نیز شناخته شده است. افراد تاملی قبل از شروع یک تکلیف، تمایل به تفکر دارند و برای ارزیابی نظراتشان وقت صرف می کنند. برعکس، افراد تکانشی بدون تفکر کافی و شتاب زده پاسخ می دهند. آنها به سرعت و بدون در نظر گرفتن دقیق راه حل ها، برای مشکلات راه حل هایی پیشنهاد می کنند. به طور عملیاتی افراد تکانشی به عنوان افرادی با زمان پاسخدهی (نهفتگی) کمتر و خطاهای بیشتر و افراد تاملی با زمان پاسخدهی (نهفتگی) بیشتر و خطاهای کمتر تعریف شده اند دانش آموزان تاملی خطاهای کمتری دارند و احتمالاً بیشتر تحلیلی عمل می کنند. دانش آموزان تاملی زمان زیادی صرف تحلیل ساختار مسائل و جزئیات آن می کنند. معمولاً این کار از میزان خطا می کاهد. دانش آموزان تاملی معمولاً در تکالیف درسی عملکرد بهتری دارند. دانش آموزان تکانشی تکالیف را به سرعت انجام می دهند اما معمولاً میزان خطای بیشتری دارند، در حالی که دانش آموزان تاملی سرعت کمتر اما دقت بیشتری دارند.

**سنجش:** سبک های تکانشی و تاملی به وسیله ی آزمون همتایابی شکل های آشنا سنجش می شوند. آزمون شونده باید از میان شکل های داده شده، یکی را انتخاب کند که کاملاً شبیه به شکل نمونه است.



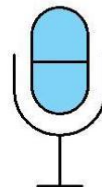
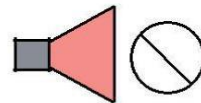
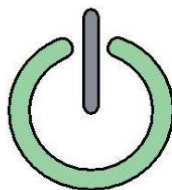
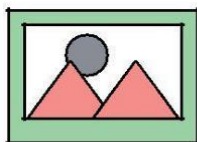
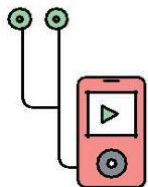
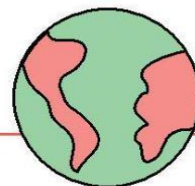
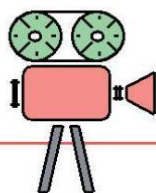
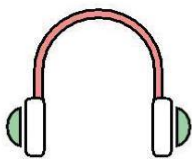


## ب) رویکرد سبک های شخصیت - محور

رویکرد دیگری که مورد بررسی قرار می دهیم رویکرد شخصیت- محور است. این رویکرد بیشتر شبیه روش مفهوم سازی و اندازه گیری شخصیت است تا شناخت. در ادامه دو نظریه عمده این رویکرد مورد بحث قرار می گیرند.

نظریه تیپ های روان شناختی. نظریه تیپ های شخصیت نشأت گرفته از کارهای کارل یونگ است. یونگ نظریه تیپ های روان شناختی را برای بیان مجموعه ای از سوگیری ها و نگرش ها طراحی کرد تا علائق اساسی فرد را همراه با تعامل او با محیط توصیف کند. براساس نظریه تیپ شناسی یونگ تفاوت های بین افراد شامل دو نوع نگرش (درونگرایی- برونگرایی) و دو کارکرد ادراکی (شهود- احساس بیرونی) و دو کارکرد قضاوت (تفکر- احساس درونی) است. نگرش هایی درونگرایی- برونگرایی نشانگر حالت اصلی فرد در مواجهه با افراد دیگر است. برونگراها افرادی بیرونی هستند و به افراد و محیط علاقه دارند. درونگراها افرادی هستند که علاقه آنها به درون متمرکز است. فرد شهودی فردی است که تمایل به ادراک محرک ها به صورت کلی دارد. فرد با احساس بیرونی اطلاعات را به طور واقعی و دقیق ادراک می کند. ابعاد تفکر و احساس درونی نمایانگر دو روش مجزا برای قضاوت و فهم محرک های ادراک شده هستند. قضاوت مبتنی بر روش تفکر منطقی، تحلیلی و غیرشخصی است در حالی که قضاوت مبتنی بر روش احساس، معمولاً بر مبنای ارزش هاست نه منطق.

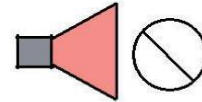
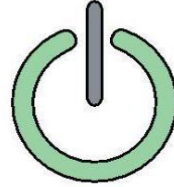
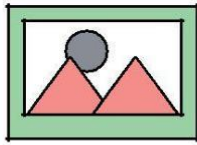
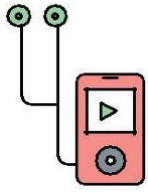
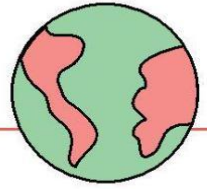
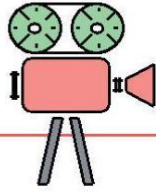
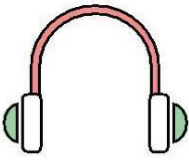




**نظریه گریگورک :** نظریه خود را بر مبنای دو بعد اصلی بنا نهاده است که عبارت اند از: فضا و مکان. بعد فضا به مقوله های ادراکی برای اکتساب و بیان اطلاعات اشاره دارد و شامل دو بخش عینی (فیزیکی) و انتزاعی (استعاره ای) است. مکان به دو روش متفاوت برای تنظیم حقایق و حوادث تقسیم می شود که عبارت اند از: متوالی و تصادفی. در ادراک عینی یادگیرنده ترجیح می دهد جنبه های فیزیکی اطلاعات را از طریق حواس پردازش کند. در ادراک انتزاعی یادگیرنده ترجیح می دهد اطلاعات را از طریق استدلال و شهود که معمولاً قابل مشاهده نیستند پردازش کند. در روش متوالی یادگیرنده ترجیح می دهد اطلاعات را به صورت خطی و با سازماندهی مرحله به مرحله سازماندهی کند. در روش تصادفی یادگیرنده ترجیح می دهد اطلاعات را در یک شبکه سازماندهی کند و داده ها را از طریق روش های مختلف به هم مربوط کند. از ترکیب دو بعد اساسی فضا و مکان چهار سبک مختلف که واسطه تعاملات افراد با محیطشان هستند، ایجاد می شود.

**این چهار سبک عبارت اند از: عینی - متوالی، انتزاعی - تصادفی، انتزاعی - متوالی و عینی - تصادفی**





**سبک عینی - متوالی:** یادگیرندگان عینی- متوالی، تجارب مستقیم و دست اول را ترجیح می دهند. آنها توانایی فوق العاده ای در حواس پنجگانه دارند. موضوعات عینی و ملموس و ارائه شده با نظم و ترتیب را دوست دارند و از جلسات علمی واقعاً لذت می برند، از تغییرات اجتناب می کنند و پیرو رسومات هستند. آنها افرادی منظم، وقت شناس و کمال گرا هستند.

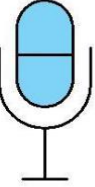
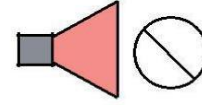
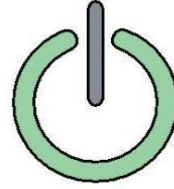
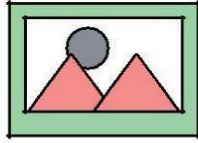
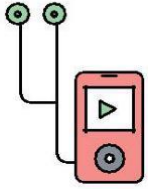
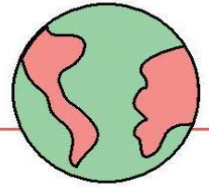
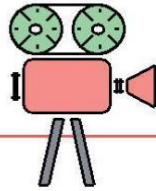
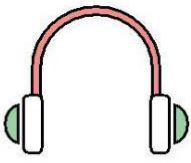
**سبک انتزاعی - تصادفی:** یادگیرندگان انتزاعی- تصادفی، ترجیح می دهند در محیط های سازمان نیافته نظیر بحث و فعالیتهای گروهی، شرکت کنند. آنها جلسات علمی را به عنوان فرصتی برای اجتماعی شدن در نظر میگیرند. و ترجیح میدهند با قوانین و دستورالعملهای غیرضروری محدود نشوند. چون پیوسته در حال تخلیه انرژی هستند، ممکن است فعال به نظر برسند، در حالی که واقعاً فعال نیستند. آنها هنگام بحث و گفتگو از حرکات بدن و دستها استفاده میکنند و از فعالیتهای معمولی و افراد سرد و بی احساس خوششان نمی آید.

**سبک انتزاعی - متوالی:** یادگیرندگان انتزاعی- متوالی، توانایی فوق العادهای در نمادهای نوشتاری، کلامی و تصویری دارند. آنها دوست دارند بخوانند، گوش دهند و از مهارتهای دیداری شان استفاده کنند، از نظر کلامی خوب هستند، و معمولاً مکالمه های آنها به دراز میکشد. از نظر آنها شرکت در جلسات تلف کردن وقت است.

**سبک عینی - تصادفی:** یادگیرندگان عینی- تصادفی، دوست دارند از طریق روش های کوشش و خطا آزمایش کنند و سریع نتیجه گیری کنند و ترجیح می دهند به طور مستقل و یا در گروه های کوچک کار کنند. آنها دست به قمار می زنند و مخاطره جو هستند. ممکن است دیر به جلسات برسند و اگر احساس کنند که جلسه نتیجه ای دربر ندارد، آن را فوراً ترک می کنند. آنها رهبر هستند و نه پیرو، دوست دارند امور را به عهده گیرند و مسئول کارها باشند. از به کارگیری کلماتی نظیر «نمی کنم ونمی توانم» اجتناب می کنند. آنها در یک جو و محیط رقابتی موفق هستند.





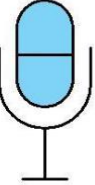
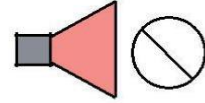
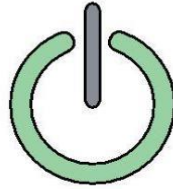
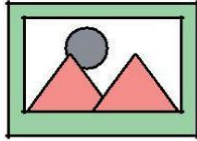
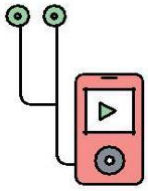
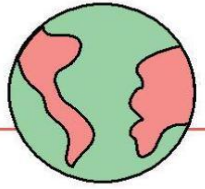
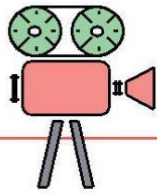
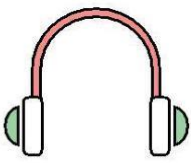


## ج) رویکرد سبک های فعالیت محور

در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ با همگانی شدن اعتقاد به سبک ها در بین مربیان آموزشی، نظریه های فعالیت-محور گسترش یافت. در آن زمان مربیان و روان شناسان آموزشی خود را درگیر دانش نظری در مورد تفاوت های فردی و مشکلات عملی مربوط به چنین تفاوت هایی در مدارس و کلاس ها یافتند. آنها به ابزارهای جدید روان شناختی (نظیر آزمون ها، پرسشنامه ها و غیره) به منظور ایجاد بینش جدیدی نسبت به تفاوت های فردی دانش آموزان نیاز داشتند. به دلیل ناامیدی آنها از آزمونهای هوشی و نیاز به مقیاس های جدید برای تفاوت های فردی، مفهوم سبک ها مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان قرار گرفت. نظریه های فعالیت-محور جهت گیری عملی تری نسبت به نظریه های شناخت-محور و شخصیت-محور دارند. آنها به انواع فعالیت هایی نظیر تحصیل و کار که افراد در طول زندگی با آنها درگیر هستند توجه دارند. نظریه های مختلفی در این رابطه گسترش یافته اند که مهمترین آنها در ادامه مورد بحث قرار می گیرد.

**نظریه سبک های یادگیری کلب:** به منظور فراهم ساختن درک بهتری از روش های متفاوت افراد در یادگیری و حل مسئله، نظریه سبک های یادگیری خود را مطرح ساخت. وی به سبک یادگیری به عنوان روش فرد در تاکید بر برخی از توانایی های یادگیری نسبت به توانایی های دیگر اشاره دارد. از نظر کلب یادگیرندگان هنگام یادگیری دو وظیفه اصلی بر عهده دارند. اولین وظیفه ی آنان به دست آوردن تجارب یا درک اطلاعات است، آنها این کار را با یکی از دو روش عینی یا انتزاعی انجام می دهند. دومین وظیفه ی یادگیرندگان پردازش یا تبدیل اطلاعات است، آنها این کار را با یکی از دو روش مشاهده تاملی یا آزمایشگری فعال انجام می دهند. به طور کلی در نظریه کلب چهار مرحله یا شیوه اصلی برای یادگیری وجود دارد: تجربه عینی، مشاهده تاملی، مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال این چهار شیوه به شرح زیر شناسایی می کنند:





**تجربه عینی:** در این مرحله فرد بیشتر بر احساسات درونی و توانایی های خود متکی است تا بر یک رویکرد نظامدار نسبت به حل مسئله و موقعیت ها. وی در این مرحله به احساسات خود اعتماد می کند و قادر نیست ذهنی باز داشته باشد.

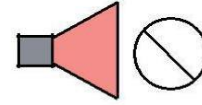
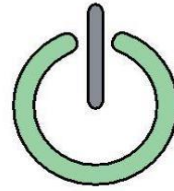
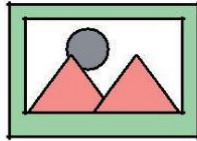
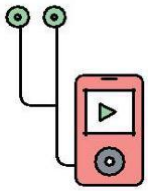
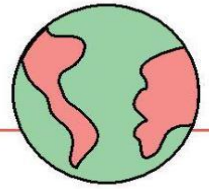
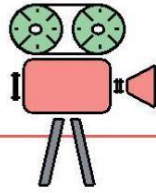
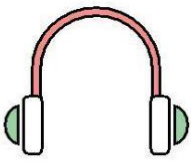
**مشاهده تاملی:** در این مرحله فرد بیشتر اندیشه ها و موقعیت ها را از دیدگاه های متفاوت درک می کند. وی در این مرحله به عینیت، حوصله و قضاوت دقیق متکی است ولی الزاماً اقدامی انجام نمی دهد. فرد برای تشکیل عقایدش به افکار و نظریه ها مراجعه می کند.

**مفهوم سازی انتزاعی:** در این مرحله فرد برای درک مسائل و موقعیت ها از منطق و تفکر بیشتر استفاده می کند تا از احساس.

**آزمایشگری فعال:** در این مرحله، یادگیری شکلی فعال به خود می گیرد. در این مرحله از یادگیری، یادگیرنده به جای اینکه صرفاً به مشاهده موقعیت بپردازد، علاقه واقعی و رویکرد فعالی نسبت به مسئله دارد. یادگیرنده کارآمد تمایل به دنبال کردن هر چهار مرحله را دارد اما ممکن است که در یکی از این مراحل مسلط تر باشد. از ترکیب ابعاد تجربه عینی و مشاهده تاملی (چگونگی ادراک) با مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال (چگونگی پردازش) چهار سبک یادگیری ایجاد می شود :

**واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده**





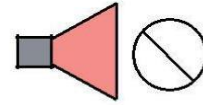
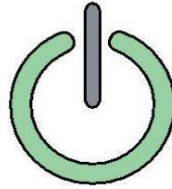
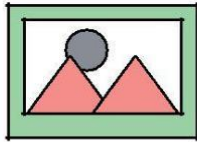
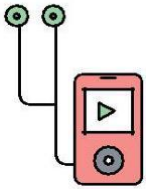
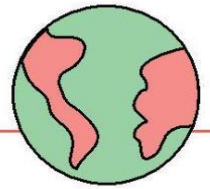
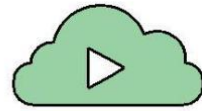
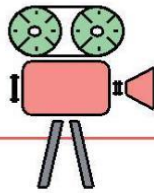
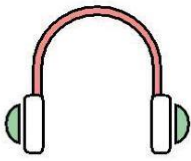
**افراد با سبک واگرا** شیوه های یادگیری تجربه عینی و مشاهده تاملی را با هم ترکیب می کنند. آنها بیشترین توانایی را در دیدن موقعیت های عینی از دیدگاه های مختلف دارند. رویکرد آنها به موقعیت ها بیشتر بر مبنای مشاهده است تا عمل. این افراد از موقعیت هایی که مستلزم ایجاد اندیشه های وسیع است لذت می برند. آنها تمایل به رابطه با افراد دارند و هیجانی و دارای قوه تصور بالا هستند.

**افراد با سبک همگرا** شیوه های مفهوم سازی انتزاعی و آزمایشگری فعال را با هم ترکیب می کنند. آنها بیشترین توانایی را در کاربرد اندیشه ها و نظریه ها دارند. آنها ترجیح می دهند با تکالیف و مسائل فنی سروکار داشته باشند تا مسائل اجتماعی و بین فردی. آنها استدلال فرضی - قیاسی را به کار می گیرند و به مشکلات و مسائل خاص توجه می کنند.

**افراد با سبک جذب کننده** شیوه های یادگیری مفهوم سازی انتزاعی و مشاهده تاملی را با هم ترکیب می کنند. آنها بیشترین توانایی را در درک مقدار زیاد اطلاعات و ترکیب آنها به صورت موجز و منطقی دارند. آنها دوست دارند مدل های نظری ایجاد کنند و در استدلال استقرایی و جذب مشاهدات مجزا به صورت یکپارچه مهارت دارند. آنها به افراد کمتر توجه می کنند و بیشتر به اندیشه ها و مفاهیم انتزاعی علاقه مند هستند. آنها بیشتر ترجیح می دهند که یک نظریه از لحاظ منطقی درست باشد تا اینکه ارزش عملی داشته باشد.

**افراد دارای سبک انطباق دهنده** شیوه های یادگیری تجربه عینی و آزمایشگری فعال را با هم ترکیب می کنند. آنها بیشترین توانایی را در یادگیری تجارب دست اول دارند و احتمالاً از اجرای طرح هایی که آنها را با تجارب تازه و چالش انگیز درگیر می سازد بسیار لذت می برند و نسبت به افراد دارای سبک های دیگر، تمایل به خطرپذیری بیشتری دارند. آنها برای کسب اطلاعات در حل مسائل بیشتر به افراد تکیه می کنند تا تحلیل های خود. این سبک یادگیری در مشاغل فعالی نظیر بازاریابی یا فروشندگی موثر است.





## نظریه سبک های دان ودان

نظریه ی دیگری که به صورت گسترده ای در یادگیری و آموزش به کار گرفته می شود نظریه ی ارائه شده به وسیله ی ریتا و کنت دان در سال ۱۱۴۷ است. آنها با تلفیقی از متغیرهای محیطی، جامعه شناختی، هیجانی و فیزیولوژیکی نظریه ی جامعی را از سبک های یادگیری ارائه دادند. نظریه ی آنها شامل ۵ عامل اصلی و ۲۱ عامل فرعی به شرح زیر است:

**عوامل محیطی** این عوامل شامل عوامل پیرامونی یادگیری هستند که منجر به یادگیری یادگیرنده می شوند و عبارتند از:

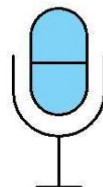
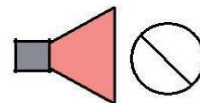
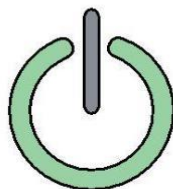
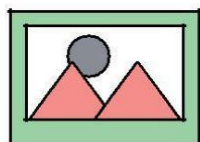
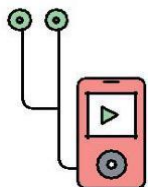
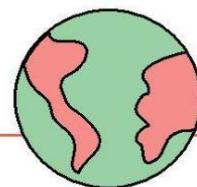
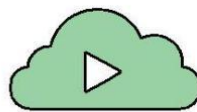
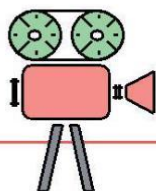
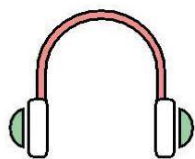
**صدا.** اشاره به ترجیح فرد در میزان سروصدا هنگام یادگیری دارد. یعنی آیا فرد دوست دارد درسکوت مطالعه کند یا اینکه وجود موسیقی یا سروصدایی را در زمینه ی یادگیری ترجیح می دهد.

**نور.** اشاره به ترجیح فرد در میزان نور و روشنایی هنگام مطالعه و یادگیری دارد.

**دما.** اشاره به ترجیح فرد در میزان نور و روشنایی هنگام مطالعه و یادگیری دارد.

**طرح.** مربوط به ترجیح فرد در مورد ترتیب یا آرایش اتاق یا مبلمان و وسایل آن هنگام یادگیری دارد. به طور مثال آیا وی دوست دارد هنگام مطالعه پشت میز و صندلی بنشیند یا روی مبل و یا روی زمین.





**عوامل هیجانی:** این عوامل به عوامل عاطفی که در سایر مدل‌های یادگیری ارائه شده است مشابه هستند و عبارتند از:

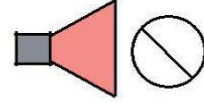
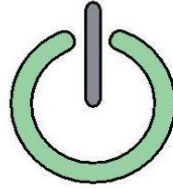
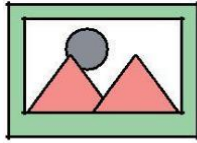
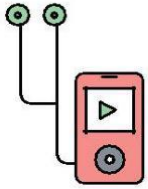
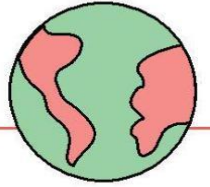
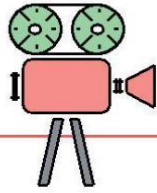
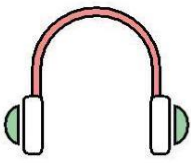
**انگیزش** این عامل مربوط به میزان و نوع انگیزش دانش آموز برای یادگیری است. یعنی به چه میزان دانش آموز به یادگیری علاقه دارد. آیا وی انگیزه‌ی درونی دارد یا به وسیله‌ی عوامل دیگری نظیر تعامل با همسالان یا تقویت برانگیخته می‌شود.

**پشتکار.** به پشتکار و مداومت دانش آموز در یادگیری یا تکالیف آموزشی اشاره دارد.

**مسئولیت پذیری** اشاره به تمایل یا عدم تمایل دانش آموز برای تکالیف یا فعالیتهای آموزشی ساختار یافته دارد.

**ساختار.** این عامل اشاره به تمایل یا عدم تمایل دانش آموز برای تکالیف یا فعالیتهای آموزشی ساختار یافته دارد.





**عوامل جامعه شناختی :** این عوامل نیاز فرد به حمایت های اجتماعی درموقعیت یادگیری را توضیح می دهند:

**عامل خود.** اشاره به ترجیح دانش آموز برای کارکردن به تنهایی دارد.

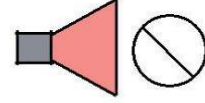
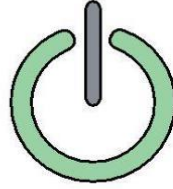
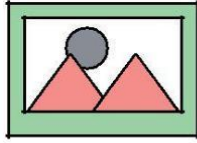
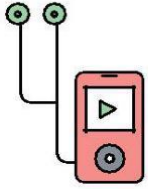
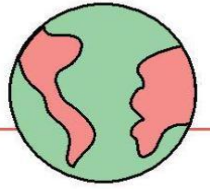
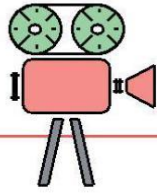
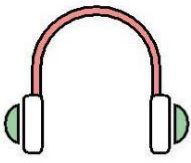
**عامل همراه.** اشاره به کارکردن دانش آموز همراه با یکی دیگر از دانش آموزان دارد.

**عامل همسالان یاتیم.** اشاره به کارکردن دانش آموز به صورت عضوی یک تیم یا همراه با گروه همسالان دارد.

**عامل بزرگسالان** یا مراجع قدرت. اشاره به ترجیح دانش آموز در کارکردن با یک بزرگسال یا مراجع قدرت دارد یعنی آیای دوست دارد همراه با معلم یا یک بزرگسال کار کند.

**عامل تعدد.** این به عامل ترجیح فرد برای درگیر بودن با تکالیف متعدد هنگام یادگیری اشاره دارد. یعنی فرد دوست دارد هنگام یادگیری باروشها یا فعالیت های متعددی سروکار داشته باشد.





## عوامل فیزیولوژیایی :

**عامل ادراک.** اشاره به ترجیح ابعاد حسی (شنیداری، دیداری،المسه یا جنبشی) به وسیله فرد هنگام یادگیری دارد.

**عامل جذب.** اشاره به تمایل فرد به خوردن، نوشیدن و جویدن در هنگام یادگیری و تمرکز دارد.

**عامل زمان.** اشاره به زمان یا وقتی از روز دارد که فرد در آن زمان بهتر یاد می گیرد.

**عامل تحرک.** اشاره به نیاز به تحرک (حتی به صورت ناهشیار) هنگام یادگیری دارد.

## عوامل روان شناختی :

**عامل تحلیل- کلی.** این عامل نشانگر این پرسش است که آیا دانش آموز هنگامی که کل موضوع مطالعه

را در نظر می گیرد بهتر یاد می گیرد یا هنگامی که تکلیف یادگیری را مرحله به مرحله در نظر می گیرد.

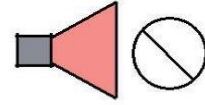
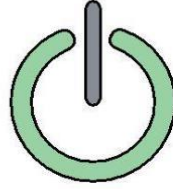
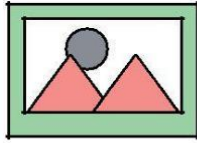
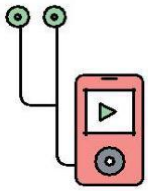
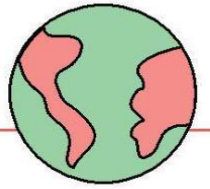
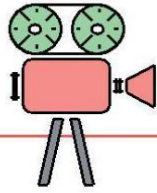
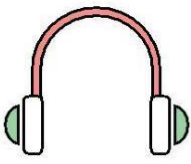
**عامل نیمکره های .** این عامل مربوط به برتری نیمکره ی مغزی چپ یا راست است. افراد با برتری نیمکره ی

چپ بیشتر تحلیلی یا یادگیرنده ی متوالی هستند در حالی که افراد با برتری نیمکره راست کلی هستند.

**عامل تکانشی- تأملی .** این عامل مربوط به سرعت تفکر است، یعنی آیا فرد ترجیح می دهد سریع تصمیم

گیری و نتیجه گیری کند یا ترجیح می دهد که فکر کند و شقوق مختلف مسئله را به دقت در نظر بگیرد.





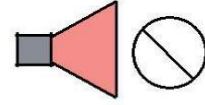
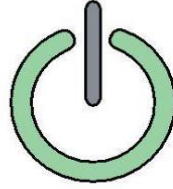
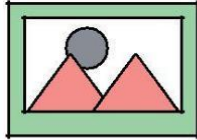
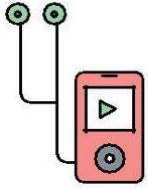
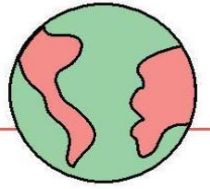
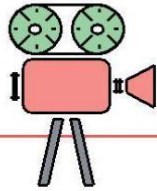
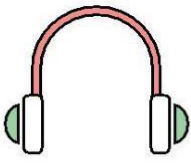
## معرفی آزمون ها سبک شناختی

پرسشنامه سبک شناختی (آزمون گروهی اشکال نهفته):

**سنجش:** برای تشخیص افراد با سبک های وابسته به زمینه و سبک های ناپسته به زمینه از آزمون شکل های نهفته استفاده می شود. در این آزمون تعدادی تصویر وجود دارد که آزمون شونده باید شکل ها را از زمینه هایشان جدا کند. این آزمون در سال ۱۱۷۱ به وسیله التمن، راسکین و ویتکین برای تشخیص سبک شناختی وابسته به زمینه و مستقل از زمینه تهیه شد. این آزمون از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول شامل ۷ تصویر، بخش دوم شامل ۱ تصویر و بخش سوم نیز شامل ۱ تصویر می باشد. بخش اول برای تمرین است و نمره ای برای آن در نظر گرفته نمی شود. اما بخش های دوم و سوم، قسمت اصلی آزمون را تشکیل می دهند، در برگیرنده ۱۸ تصویر هستند. نمره گذاری آزمون بدین صورت است که به ازای هر پاسخ صحیح، یعنی پیدا کردن در طرح پیچیده، یک نمره تعلق می گیرد. بنابراین دامنه نمره ها از صفر تا هجده است. مدت پاسخگویی، ۵ دقیقه خواهد بود.



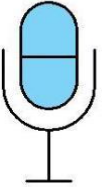
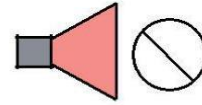
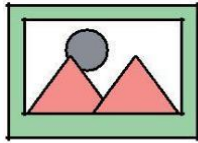
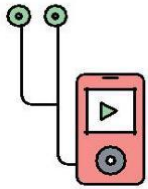
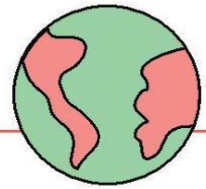
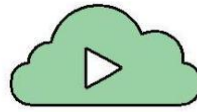
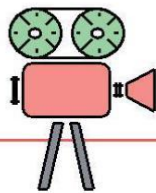
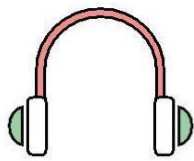




## پرسشنامه سبک های یادگیری

پرسشنامه سبک یادگیری کلب دارای ۱۲ جمله است هر جمله شامل چهار قسمت است با نام های AE. و آزمایشگری فعال AC مفهوم سازی انتزاعی، RO مشاهده تاملی، CE تجربه عینی به ترتیب جمع این چهار قسمت در دوازده سوال پرسشنامه چهار نمره به دست می آید که این چهار نمره نشانگر چهار شیوه یادگیری است. از تفریق دو به دوی این شیوه ها یعنی تفریق مفهوم سازی انتزاعی از تجربه عینی و آزمایشگری فعال از مشاهده تاملی دو نمره به دست می آید. این دو نمره بر روی محور مختصات قرار می و دیگری محور افقی AC-CE (گیرند. یکی محور عمودی یعنی) تجربه عینی- مفهوم سازی انتزاعی این دو محور مختصات چهار ربع یک مربع را تشکیل می دهند AE-RO. مشاهده تاملی- آزمایشگری فعال که این چهار سبک شناختی با نام های واگرا، همگرا، جذب کننده و انطباق یابنده در هر یک از ربع های مربع قرار می گیرند.





**تیبین سبک‌های یادگیری:** مدل‌های مختلفی برای تقسیم‌بندی سبک‌های یادگیری وجود دارد، اما یکی

از رایج‌ترین آن‌ها مدل وارک (VARK) است که به چهار دسته اصلی تقسیم می‌شود:

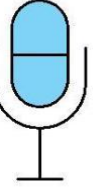
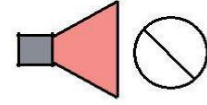
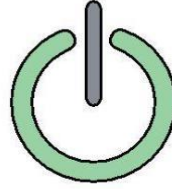
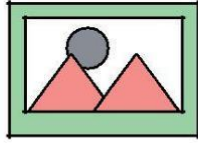
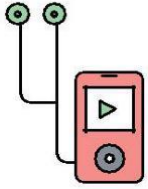
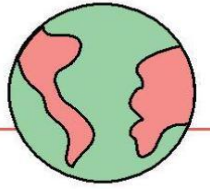
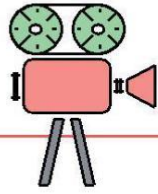
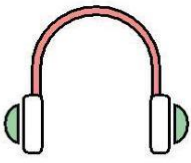
۱- دیداری یا بصری

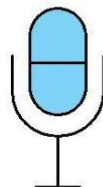
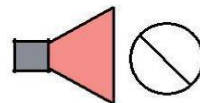
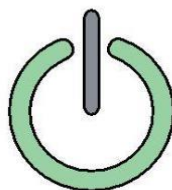
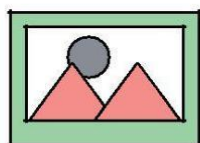
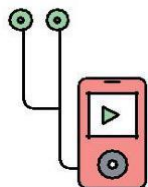
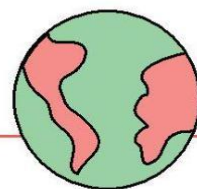
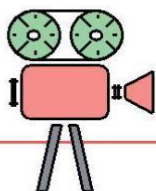
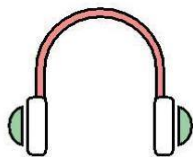
۲- شنیداری

۳- حرکتی

۴- کلامی (خواندن/نوشتن)



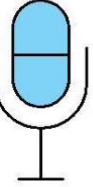
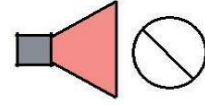
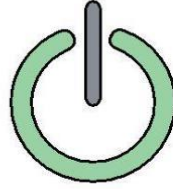
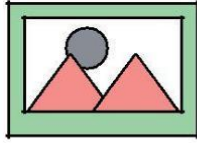
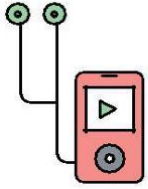
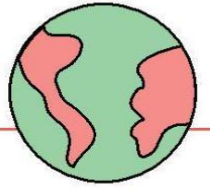
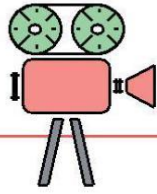
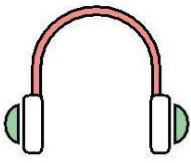




## ۱- سبک یادگیری دیداری یا بصری

آیا تا به حال به یاد دارید که در مدرسه امتحانی می‌دادید و فکر می‌کردید «پاسخ را به خاطر نمی‌آورم اما یاد می‌آید که آن را به رنگ صورتی در یادداشت‌هایم برجسته کرده بودم»... در این صورت ممکن است یک یادگیرنده بصری باشید. این به این دلیل است که یادگیرندگان بصری آنچه را که بیشتر می‌بینند به خاطر می‌آورند و یاد می‌گیرند افراد دارای سبک یادگیری دیداری افرادی هستند که ترجیح می‌دهند اطلاعات خود را به صورت بصری دریافت کنند؛ اعم از نقشه‌ها، نمودارها، نمودارها، رنگ‌ها و موارد دیگر. با این حال، آنها لزوماً به عکس‌ها یا فیلم‌ها به خوبی پاسخ نمی‌دهند، بلکه به اطلاعات خود با استفاده از کمک‌های بصری مختلف مانند الگوها و اشکال نیاز دارند. بهترین راه برای ارائه به یادگیرندگان بصری نشان دادن رابطه بین ایده‌های مختلف به صورت بصری است. به عنوان مثال، هنگام توضیح یک فرآیند علمی، می‌توان آن را با استفاده از نمودار جریان انجام داد. یکی از مزایای بی‌شمار بودن یک یادگیرنده بصری این است که مغز انسان اطلاعات بصری را بسیار سریعتر از متن ساده پردازش می‌کند. هنگام یادگیری، مطالعه و تجدید نظر، آنها دوست دارند از رنگ‌ها استفاده کنند و مطالب آموزشی را به روش‌های مختلف نمایش دهند.





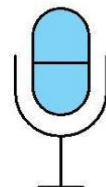
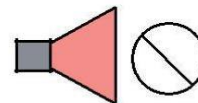
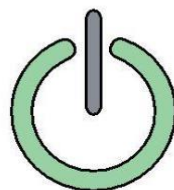
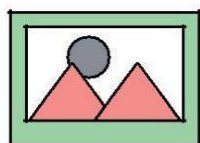
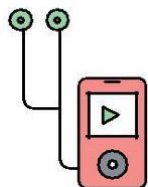
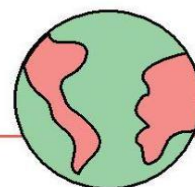
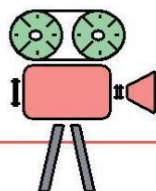
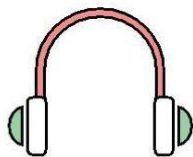
## ویژگی های افراد با سبک یادگیری دیداری

- ◀ در خواندن نقشه ها خوب هستند
- ◀ تمیز و مرتب هستند
- ◀ برنامه ریزی و تصمیم گیری را با نوشتن لیست انجام می دهند
- ◀ افرادی با تخیل بالا و رویاپردازی هستند
- ◀ از مد، تلویزیون، هنر، تکنولوژی لذت می برند
- ◀ در کلاس یادداشت های زیادی بر نمی دارند یا خیلی خلاصه و نکته واریادداشت می کنند.

## مشاغل سبک یادگیری دیداری

یادگیرندگان بصری اغلب به سمت زمینه های STEM کشیده می شوند و در آن به خوبی عمل می کنند، STEM شامل علم، فناوری، مهندسی و ریاضی است. به طور خاص، برخی از مشاغل عبارتند از عکاسی، ساخت و ساز، طراحی گرافیک، طراحی داخلی، معماری، فیزیک، تبلیغات، مهندسی و جراحی.

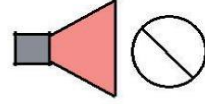
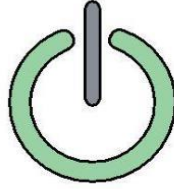
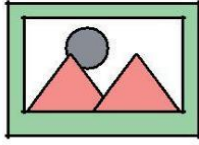
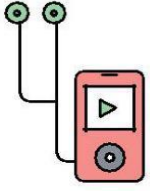
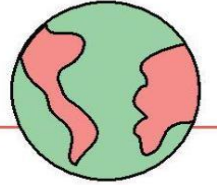
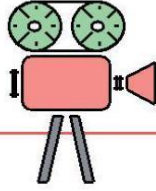
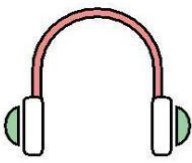




## ۲- سبک یادگیری شنیداری

آیا گاهی اوقات وقتی به سختی فکر می کنید، مطالعه می کنید یا سعی می کنید چیزی را سازماندهی کنید، با خودتان صحبت می کنید؟ احتمالاً یک یادگیرنده شنوایی هستید. افراد دارای سبک یادگیری شنیداری افرادی هستند که وقتی اطلاعات شنیده یا شنیده می شود، بهتر یاد می گیرند. آنها تمایل دارند که ایده‌های خود را بعد از صحبت مرتب کنند، نه اینکه قبلاً به ایده‌ها فکر کنند. از نظر آنها، گفتن مطالب با صدای بلند به آنها در درک مفهوم کمک می کند. یادگیرندگان شنیداری زمانی بهتر یاد می گیرند که اطلاعات از طریق راهبردهایی که شامل صحبت کردن است، مانند سخنرانی‌ها و بحث‌های گروهی، به آنها ارائه شود. این زبان آموزان معمولاً در داستان‌سرایی و سخنرانی نیز خوب هستند. آنها می‌توانند از تکرار درس‌ها، ضبط سخنرانی‌ها، فعالیت‌های گروهی که نیاز به توضیح ایده‌ها هم‌کلاسی‌ها دارد و غیره بهره‌مند شوند. آنها تمایل دارند به راحتی با معلم در کلاس یا درس‌های تدریس خصوصی آنلاین درگیر شوند و اغلب سؤالاتی می‌پرسند. افراد با سبک یادگیری شنیداری در کلاس درس مزیت زیادی دارند زیرا از بیان نظر خود و دریافت پاسخ سؤالات خود نمی‌ترسند. هنگام بازنگری، آنها اطلاعات را با صدای بلند می‌خوانند و همچنین دوست دارند یک دوست مطالعاتی داشته باشند، تا بتوانند یکدیگر را آزمایش کنند و با یکدیگر صحبت کنند، زیرا آنها بهترین یادگیری را از طریق صدا و گفتار می‌آموزند. فراگیران شنیداری معمولاً:





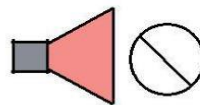
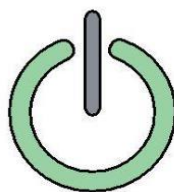
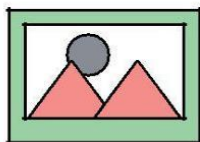
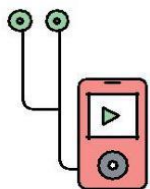
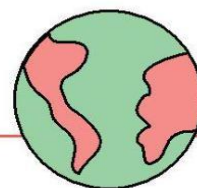
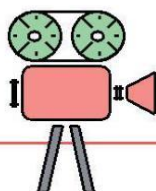
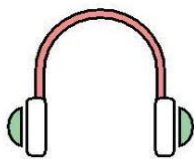
## ویژگی های افراد با سبک یادگیری شنیداری

- ◀ قصه گویای خوبی هستند
- ◀ در پیروی از دستورالعمل های شفاهی به جای دستورالعمل های کتبی خوب هستند
- ◀ در ارائه یا گزارش شفاهی مهارت دارند
- ◀ بسیار درگیر در کلاس درس یا محیط یادگیری آنلاین هستند
- ◀ به احتمال زیاد از موسیقی لذت خواهد برد
- ◀ به احتمال زیاد با خود صحبت می کنند
- ◀ قادر به تمرکز در یک محیط پر سر و صدا نیستند

## مشاغل سبک یادگیری شنیداری

هر شغلی که نیاز به گوش دادن و یا صحبت کردن زیاد دارد، احتمالاً برای یک یادگیرنده شنوایی مناسب خواهد بود. برخی از مشاغلی که باید در نظر بگیرید عبارتند از: پخش رادیو یا تلویزیون، حقوق، تدریس، گفتار درمانگر و مشاوره.



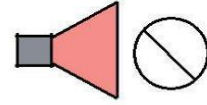
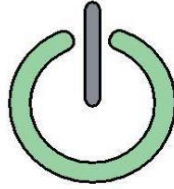
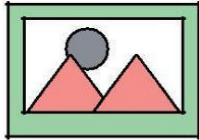
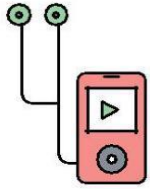
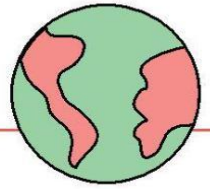
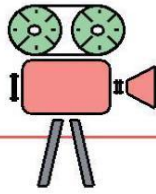
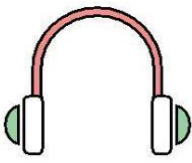


### ۳- سبک یادگیری حرکتی

آیا شما اولین کسی هستید که بلند می شوید و داوطلب می شوید تا آزمایشی را برای دیگران نشان دهید؟ اگر چنین است، به نظر می رسد که شما یک یادگیرنده حرکتی هستید. یادگیرندگان حرکتی افرادی هستند که ترجیح می دهند با انجام دادن یاد بگیرند. آنها از یک تجربه عملی لذت می برند. آنها معمولاً بیشتر با واقعیت در تماس هستند و بیشتر با آن ارتباط دارند، به همین دلیل است که برای درک بهتر چیزی نیاز به استفاده از تجربه لمسی دارند. بهترین راه برای ارائه اطلاعات جدید به یک یادگیرنده حرکتی از طریق تجربه شخصی، تمرین، مثال ها یا شبیه سازی است. به عنوان مثال، آنها می توانند یک آزمایش را با بازآفرینی آن به خاطر بسپارند. این دانش آموزان تمایل دارند در نمایش ها و آزمایش ها بدرخشند. آنها همچنین از دیدن چیزی دست اول، تماشای ویدیوهای زنده و رفتن به سفرهای میدانی بهترین چیزها را یاد می گیرند. حتی تنها ترکیب یک حرکت فیزیکی با یک تکه اطلاعات می تواند به آنها کمک کند. آنها ممکن است در حین گوش دادن در کلاس بی قراری کنند و نسبت به کسانی که سبک های یادگیری دیگر دارند بیشتر با دست صحبت می کنند. ایستادن، حرکت در اتاق، ایفای نقش، ساختن مدلها یا کارهای تعاملی مؤثرترین روشهای یادگیری برای یک یادگیرنده حرکتی هستند. آنها همچنین می توانند از تمام حواس برای یادگیری از جمله بویایی و لامسه استفاده کنند. آنها دوست دارند به طور فعال در یادگیری خود شرکت کنند. یادگیرندگان حرکتی معمولاً:







## ویژگی های افراد با سبک یادگیری حرکتی

◀ همیشه در حال حرکت هستند و پاهای خود را تکان می دهند، به انگشتان خود ضربه می زنند و بی قراری می کنند

◀ استعداد در فعالیت های بدنی و ورزش دارند

◀ کسانی که به سرعت علاقه خود را از دست می دهند

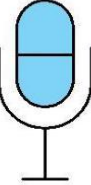
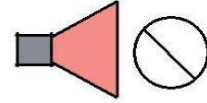
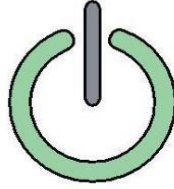
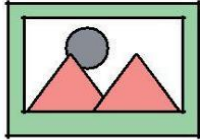
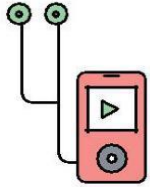
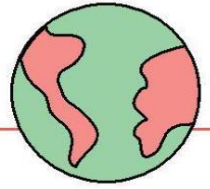
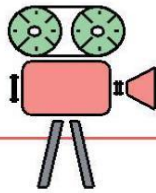
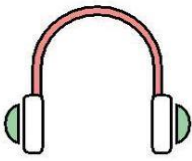
◀ افرادی که از ساختن وسایل با دست خود لذت می برند

◀ کسانی که هنگام صحبت کردن از حرکات دست زیادی استفاده می کنند

## مشاغل سبک یادگیری حرکتی

هر شغلی که به شما امکان می دهد از نظر بدنی فعال باشید و بدن خود را حرکت دهید، درست در مسیر درست یک یادگیرنده حرکتی خواهد بود. گاهی اوقات آنها می گویند معمولا در یک کار کارمندی پیشرفت نمی کنند. یادگیرندگان حرکتی معمولا در عنصر خود مشاغلی چون ورزشکاران حرفه ای، کشاورز، نجار، فیزیوتراپ و مکانیک را احساس می کنند.

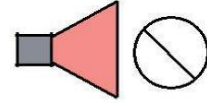
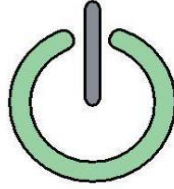
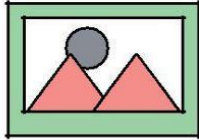
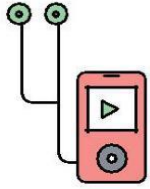
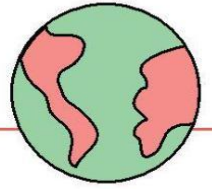
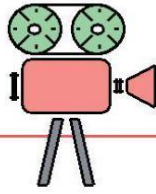
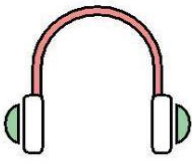




## ۴- سبک یادگیری کلامی

آیا ترجیح می دهید متن را بخوانید یا اطلاعات را از یک کتاب دریافت کنید؟ پس احتمالا شما یک یادگیرنده کلامی هستید. یادگیرندگان کلامی (خواندن/نوشتن)، اطلاعات را زمانی که به صورت کلمات باشد، بهتر مصرف می کنند، چه با نوشتن یا خواندن آن. برای آنها، متن از هر نوع نمایش دیداری یا شنیداری قدرتمندتر است. این افراد معمولا در تکالیف کتبی بسیار خوب عمل می کنند. راههای مختلفی برای وادار کردن یک یادگیرنده کلامی برای درگیر کردن و درک یک درس خاص وجود دارد. به عنوان مثال، بهتر است از آنها بخواهیم نمودارها و نمودارها را با عبارات نوشته شده توصیف کنند، در مورد موضوعات آزمون های کتبی شرکت کنند یا به آنها تکالیف کتبی بدهند. یادگیرندگان کلامی با خواندن و نوشتن به خوبی یاد می گیرند. آنها اغلب به نقل قول معروف فلانری اوکانر می گویند: "من می نویسم زیرا تا زمانی که آنچه را که می گویم نخوانم نمی دانم چه فکر می کنم." آنها همچنین دوست دارند از نقل قول استفاده کنند و قسمت هایی از متن را برجسته کنند. اگر ترجیح می دهید به جای اینکه شخص دیگری برای شما بخواند، خودتان بخوانید، ممکن است یک یادگیرنده کلامی باشید. یادگیرندگان خواندن/نوشتنی معمولا:





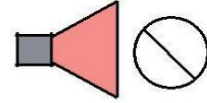
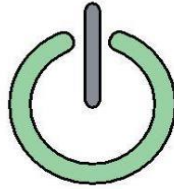
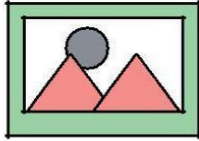
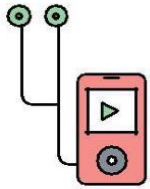
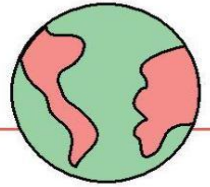
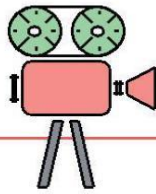
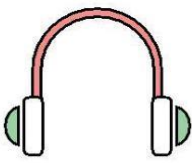
## ویژگی های افراد با سبک های یادگیری کلامی

- ◀ کسانی که در اوقات فراغت خود از مطالعه لذت می برند
- ◀ بیشترین بهره وری در یک محیط مطالعه آرام دارند
- ◀ کسانی که از یادداشت برداری جامع لذت می برند
- ◀ در نوشتن مقاله مهارت دارد
- ◀ کسانی که از باز خورد کتبی به بهترین وجه بهبود می یابند.

## **مشاغل سبک یادگیری کلامی**

یک انتخاب شغلی رایج و بدیهی برای یادگیرندگان کلامی، نوشتن است، اما اگر این سبک یادگیری شماست، قطعا محدود به نوشتن نیستید. ویرایش، تبلیغات، تحقیق، ترجمه و مشاوره اقتصادی نیز انتخاب های شغلی خوبی هستند که مناسب هستند.





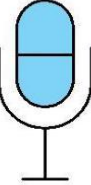
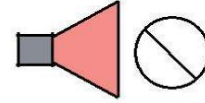
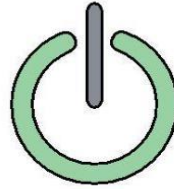
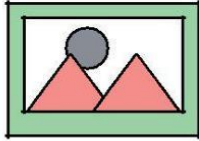
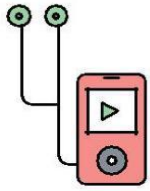
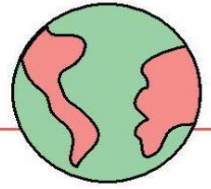
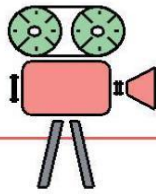
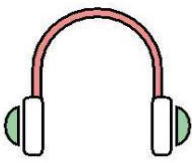
## انواع سبک های یادگیری دیگر

اکنون که در مورد برخی از سبک های یادگیری که مدتی است وجود داشته اند بحث کرده ایم، وقت آن است که کمی عمیق تر نگاه کنیم و برخی از سبک های یادگیری کمتر شناخته شده دیگر را معرفی کنیم. توجه به این نکته ضروری است که همه در مورد انواع سبک های یادگیری، نام آنها یا حتی تعداد آنها توافق ندارند. مطالعات و نظریه های اخیر روانشناسان و متخصصان در این زمینه نشان می دهد که بین ۳ تا ۱۷۰ نوع مختلف سبک یادگیری وجود دارد. انواع دیگر سبک های یادگیری بر اساس یکی از حواس و جنبه اجتماعی را در زیر معرفی کردیم.

## سبک یادگیری منطقی یا تحلیلی

همانطور که از نام آن پیداست، یادگیرندگان تحلیلی برای درک یک موضوع خاص به منطق و مهارت های تحلیلی وابسته هستند. این نوع یادگیرندگان به جستجوی ارتباطات، علل، الگوها و نتایج یادگیری خود می پردازند. معلم می تواند با طرح سؤالاتی که نیاز به تفسیر دارند، با استفاده از مطالبی که مهارت های حل مسئله را فعال می کند و دانش آموزان را برای رسیدن به نتیجه گیری بر اساس حقایق یا استدلال تحریک می کند، یادگیرندگان تحلیلی را درگیر و برانگیزد.





## سبک یادگیری اجتماعی یا بین فردی

این نوع یادگیرندگان به درسهای آموزشی که شامل کار یا مشارکت همسالان است، علاقه دارند. یادگیرندگان اجتماعی / زبانی از این مشارکت دو چیز به دست می آورند: اجتماعی شدن (که دوست دارند) و درک بهتر یک موضوع. معلمان می توانند با استفاده از نقش آفرینی، فعالیت های گروهی و تشویق تعامل دانش آموزان (پرسیدن سؤال، به اشتراک گذاری داستان و غیره) این نوع یادگیرندگان را برانگیزند.

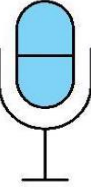
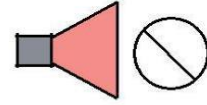
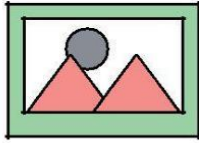
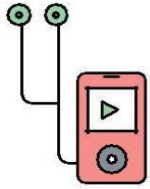
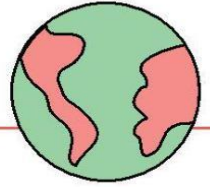
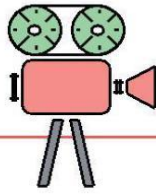
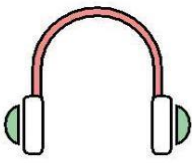
## سبک یادگیری انفرادی

این دانش آموزان برعکس یادگیرندگان اجتماعی هستند. فراگیران انفرادی ترجیح می دهند به تنهایی و بدون نیاز به تعامل با دیگر زبان آموزان مطالعه کنند. کار انفرادی نقطه قوت یک دانش آموز انفرادی است. معلمان می توانند با استفاده از فعالیت هایی که نیاز به کار فردی (از جمله یادداشت روزانه) و مهارت های حل مسئله، شناخت دستاوردهای فردی دانش آموز و غیره دارند، به این نوع یادگیرندگان کمک کنند.

## سبک یادگیری طبیعی

این نوع یادگیرندگان در تماس با طبیعت برتری می یابند. محیط مطالعه ایده آل یک طبیعت آموز محیطی آرام و آرام است. اگر بخواهیم یادگیرندگان طبیعی را با نوع دیگری مقایسه کنیم، یادگیرندگان لمسی خواهند بود. تنها تفاوت در بخش طبیعت این معامله است، زیرا یادگیرندگان طبیعی برای یادگیری بهتر باید بیرون باشند. در حالی که یادگیری در طبیعت ممکن است همیشه امکان پذیر نباشد، معلمان همچنان می توانند این سبک یادگیری را در دانش آموزان با اختصاص دادن فعالیت های عملی، برگزاری کلاس هایی در فضای باز در صورت امکان و استفاده از مثال های طبیعت در هنگام توضیح یک درس جدید، پرورش دهند.





## اساس سبک های یادگیری

سبک های یادگیری شما بیش از آنچه تصور می کنید تأثیر می گذارد. سبک های دلخواه شما راه یادگیری شما را راهنمایی می کند. آنها همچنین نحوه بازنمایی درونی تجربیات، روش به یاد آوردن اطلاعات و حتی کلماتی که انتخاب می کنید را تغییر می دهند. تحقیقات به ما نشان می دهد که هر سبک یادگیری از قسمت های مختلف مغز استفاده می کند. با درگیر کردن بیشتر مغز در طول یادگیری، چیزهایی را که می آموزیم بیشتر به خاطر می آوریم. محققان با استفاده از فناوریهای تصویربرداری مغزی توانسته اند نواحی کلیدی مغز را که مسئول هر سبک یادگیری هستند، بیابند.

. **سبک یادگیری بصری:** لوب های پس سری در پشت مغز حس بینایی را مدیریت می کنند. هر دو لوب اکسیپیتال و آهیانه جهت گیری فضایی را مدیریت می کنند.

. **سبک یادگیری شنوایی:** لوب های گیجگاهی محتوای شنوایی را کنترل می کنند. لوب گیجگاهی سمت راست به ویژه برای موسیقی مهم است.

. **سبک یادگیری کلامی:** لوب گیجگاهی و پیشانی، به ویژه دو ناحیه تخصصی به نامهای بروکا و ورنیکه (در نیمکره چپ این دو لوب).

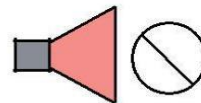
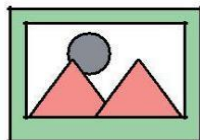
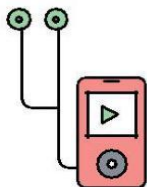
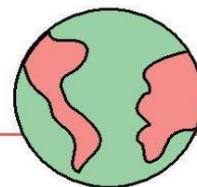
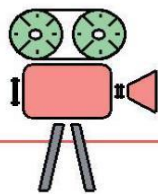
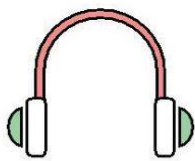
. **سبک یادگیری فیزیکی:** مخچه و قشر حرکتی (در پشت لوب جلویی) بیشتر حرکت فیزیکی ما را کنترل می کنند.

. **سبک یادگیری منطقی:** لوب های جداری، به خصوص سمت چپ، تفکر منطقی ما را هدایت می کنند .

**سبک یادگیری اجتماعی:** لوب های پیشانی و گیجگاهی بیشتر فعالیت های اجتماعی ما را اداره می کنند. سیستم لیمبیک (که جدا از هیپوکامپ نشان داده نمی شود) نیز بر سبک های اجتماعی و انفرادی تأثیر می گذارد. سیستم لیمبیک ارتباط زیادی با احساسات، خلق و خو و پرخاشگری دارد.

. **سبک یادگیری انفرادی:** لوب های فرونتال و جداری و سیستم لیمبیک نیز با این سبک فعال هستند.





## سبک های یادگیری و طراحی محیط های آموزشی

سبک های یادگیری، روش هایی هستند که افراد ترجیح می دهند از طریق آن ها اطلاعات را دریافت، پردازش و به خاطر بسپارند. این سبک ها می توانند بر اساس عوامل مختلفی مانند حواس، پردازش اطلاعات، و ترجیحات اجتماعی متفاوت باشند. طراحی محیط های آموزشی بر اساس سبک های یادگیری می تواند به طور قابل توجهی بر انگیزش، درگیر شدن و موفقیت یادگیرندگان تأثیر بگذارد.

### طراحی محیط های آموزشی شامل :

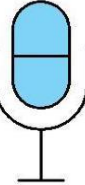
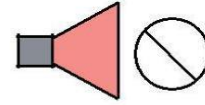
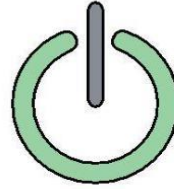
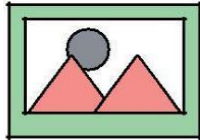
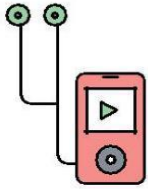
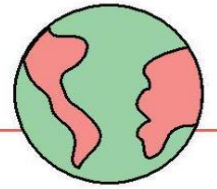
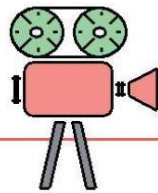
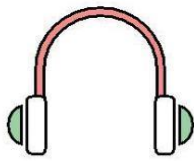
– مدیریت کلاس

– محتوا

– آموزش

– ارزشیابی





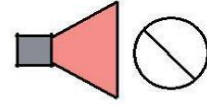
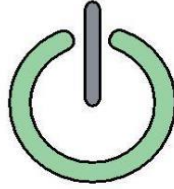
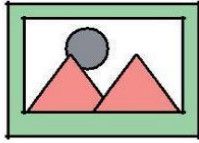
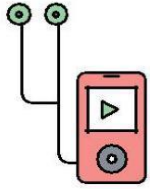
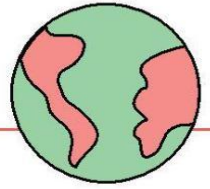
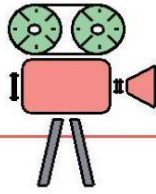
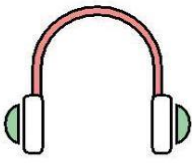
## سبک یادگیری دیداری و طراحی محیط های آموزشی

### ۱- مدیریت کلاس

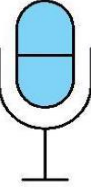
وایت برد یا تخته هوشمند بهترین دوست برای این نوع یادگیرندگان است. به دانش آموزان فرصت دهید تا تصاویر و نمودارها را روی تخته بکشند، یا از دانش آموزان بخواهید که بر اساس موضوعی که در حال یادگیری هستند، نمونه‌هایی را رسم کنند. معلمانی که به یادگیرندگان بصری درس می دهند باید به طور منظم جزوه تهیه کنند و از ارائه استفاده کنند. یادگیرندگان دیداری همچنین ممکن است به زمان بیشتری برای پردازش مطالب نیاز داشته باشند، زیرا آنها نشانه های بصری را قبل از خود مشاهده می کنند. پس حتما به دانش آموزان زمان و فضای کمی برای جذب اطلاعات بدهید. برای برخی از یادگیرندگان بصری، توجه دقیق به حرکات شما نیز می تواند برای آنها مفید باشد. آنها ممکن است حرکت دست شما یا نحوه اشاره شما به کشوری را در نقشه به خاطر بیاورند. طراحی کلاس شما نیز برای یادگیرندگان بصری بسیار مهم است. اگر شلوغی زیادی وجود داشته باشد یا پوسترهای زیادی روی دیوارها وجود داشته باشد، این می تواند ذهن و پردازش یک یادگیرنده بصری را تحت تأثیر قرار دهد.







۲- محتوا



شامل : وایت برد - تخته هوشمند تصاویر - نمودار ها - گرافیک ها - نقشه ها - استفاده از رنگ ها - ژست ها و زبان بدن - فیلم ها - انیمیشن ها و.....

### ۳- آموزش

از رنگ ها استفاده کنید : به عنوان یک تکلیف درسی یا در تکالیف کلاس، می توانید از دانش آموزان بخواهید که به طور فعال حاشیه نویسی کنند/بخوانند و از رنگ های مختلف برای چیزهای مختلفی که می خواهید آنها را جستجو کنند استفاده کنید. به عنوان مثال، آنها می توانند تاریخ ها را با رنگ آبی و نام ها را با رنگ زرد برجسته کنند.

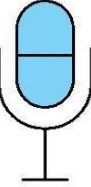
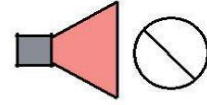
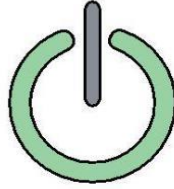
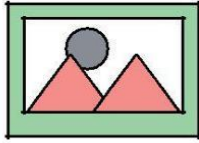
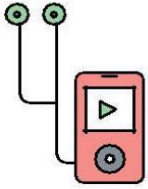
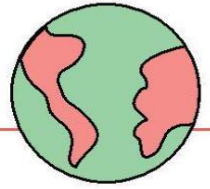
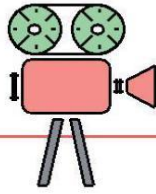
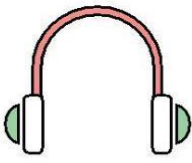
از ژست ها استفاده کنید : همانطور که در حال تدریس هستید، از زبان بدن خود آگاه باشید. اگر هنگام صحبت کردن، حرکات و حرکات دست را در نظر بگیرید، به یادگیرندگان بصری شما کمک می کند تا توجه کنند و ارتباط برقرار کنند.

استدلال را ترسیم کنید : در ریاضیات، به دانش آموزان بیاموزید که چگونه استدلال خود را ترسیم کنند (به جای توضیح شفاهی).

پوسترها به عنوان یک پروژه یا تکلیف کلاسی: دانش آموزان می توانند پوسترهایی بسازند که مفاهیم کلیدی را به تصویر می کشد. پس از اتمام، آنها حتی می توانند پوسترهایی خود را به کلاس ارائه دهند که برای زبان آموزان شنوایی جذاب باشد.

نمودارها : از فناوری برای کمک به دانش آموزان برای دیدن اطلاعات بصری با ایجاد نمودارها و نمودارها استفاده کنید. این اغلب در محیط های ریاضی و علوم استفاده می شود، اما می تواند در سایر رشته ها نیز استفاده شود.





### ۳- ارزشیابی

◀ بهتر است برای این نوع یادگیرندگان از سؤالات انتخاب کردنی مانند چندگزینه‌ای، جور کردنی و درست و نادرست استفاده شود.

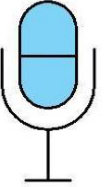
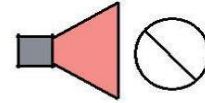
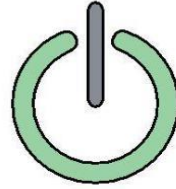
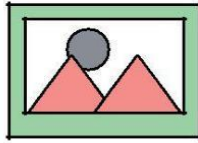
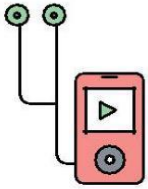
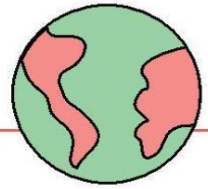
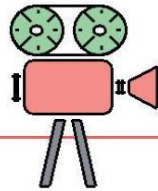
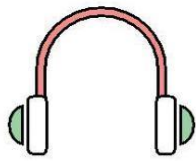
◀ ارزشیابی کلاسی بهتر است مبتنی بر آزمونهای چندرسانه‌ای و دیداری استفاده شود.

◀ بهتر است گزارش نتایج آزمونها و میزان پیشرفت یادگیرندگان مبتنی بر مقایسه‌های دیداری در قالب نمودار و اشکال مختلف باشد.

◀ معلم لازم است برای ارزشیابی تراکمی از یادگیرندگان بخواهد تا خلاصه و نتایج مطالب را در قالب خلاصه‌های دیداری ارائه دهند.

◀ برای ارزشیابی آغازین و تکوینی، بهتر است معلم از روی تصاویر، نقشه‌ها، نمودارها و اشکال آموزشی به پرسش از شاگردان بپردازد.





## سبک یادگیری شنیداری و طراحی محیط های آموزشی

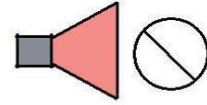
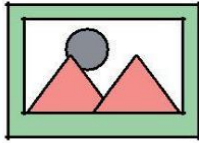
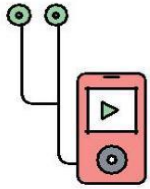
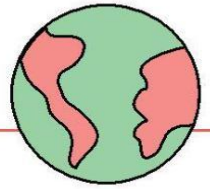
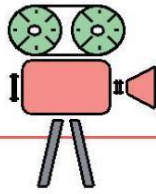
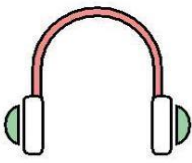
### ۱- مدیریت کلاس

از آنجایی که این دانش آموزان معمولاً برای مدت طولانی ساکت ماندن برایشان سخت است، فراگیران شنوایی خود را با درخواست از آنها برای تکرار مفاهیم جدید در سخنرانی درگیر کنید. سوال بپرسید و اجازه دهید پاسخ دهند. بحث های گروهی را انجام کنید تا پردازشگرهای شنوایی و کلامی شما بتوانند به درستی اطلاعات ارائه شده را دریافت کرده و درک کنند. تماشای فیلم و استفاده از موسیقی یا نوارهای صوتی نیز از راه های یادگیری مفید برای این گروه است.

این دانش آموزان ممکن است در طول کلاس هم به گپ زدن بپردازند. زمانی که می خواهید یک بحث یا مناظره سرزنده در کلاس برگزار کنید، این می تواند عالی باشد، اما زمانی که نیاز دارید کلاس با دقت به صحبت های شما گوش دهد، چندان عالی نیست. به جای اینکه ناامید و عصبانی شوید، به یاد داشته باشید که مغز آنها اینگونه کار می کند و یاد می گیرند.

همیشه باید در نظر داشته باشید که این یادگیرندگان ممکن است واقعا با اطلاعات نوشتاری و تصویری مشکل داشته باشند. یادگیرندگان شنیداری آن دسته از دانش آموزانی هستند که می توانند به تک تک سؤالاتی که در کلاس می پرسید پاسخ دهند و سپس در امتحانی که همان اطلاعات را آزمایش می کند، نمره پایین بگیرند.





## ۲- محتوا

شامل : کتاب صوتی- پادکست - ارائه شفاهی - ویدیو - نوار صوتی - بحث گروهی و .....

## ۳- آموزش

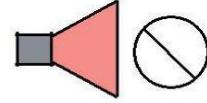
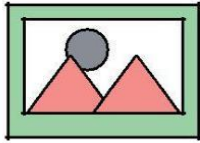
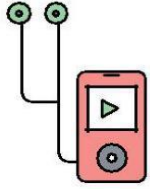
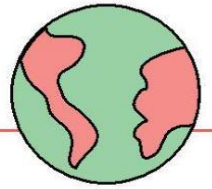
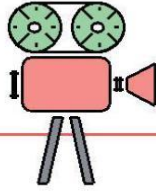
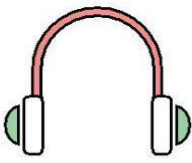
◀ **کتاب صوتی**: به دانش‌آموزان این امکان را بدهید که به یک کتاب صوتی گوش دهند؛ این می‌تواند با رمانها و همچنین کتابهای درسی مؤثر باشد.

◀ **سمینار سقراطی**: این یک نوع بحث است که در آن دانش‌آموزان بحث را هدایت می‌کنند. معلم موضوعاتی را برای صحبت در مورد آنها ارائه می‌دهد و سپس دانش‌آموزان مسئولیت را بر عهده می‌گیرند.

◀ **یادداشت‌ها را ضبط کنید**: می‌توانید خودتان را در حال صحبت ضبط کنید یا به دانش‌آموزانتان اجازه دهید در طول سخنرانی‌هایتان ضبط کنند تا بتوانند برگردند و گوش کنند. همچنین می‌توانید دانش‌آموزان را تشویق کنید تا یادداشت‌های خود را بخوانند.

◀ **مناظره**: یک مناظره ساختاریافته یک راه واقعا سودمند برای فراگیران شنوایی است تا ایده‌های خود را منتقل کنند. این کار در تمام مقاطع تحصیلی و در همه رشته‌ها قابل انجام است .





### ۳- ارزشیابی

◀ بازخورد به این شاگردان، باید در فضای مجازی به صورت صوتی و در کلاس حضوری به صورت کلامی صورت گیرد.

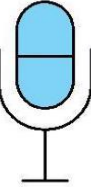
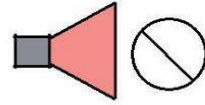
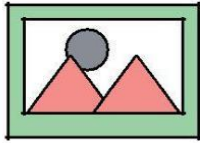
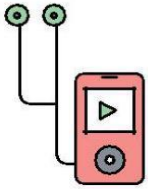
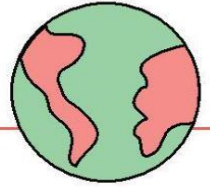
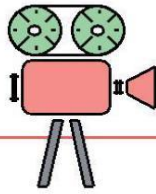
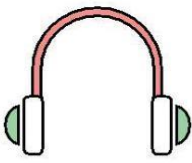
◀ برای ارزشیابی مجازی، درس مختلف باید نرم افزارها و سایت هایی انتخاب شود که به طور شفاهی، میزان و کیفیت عملکرد دانش آموزان را برای آنها بیان کند.

◀ برای ارزشیابی آغازین و مستمر، لازم است معلم به پرسش و پاسخ شفاهی از شاگردان بپردازد و نواقص یادگیری آنها را به صورت کلامی بیان کند.

◀ معلم لازم است برای دادن بازخورد به ارزشیابی تراکمی و ارزشیابی های ۴. ماهانه یا ترمی، در حضور دانش آموز، نقاط ضعف و قوت وی را بیان کند و انتظارات خود را به صورت کلامی بیان نماید.

◀ در روشهای تدریس تعاملی، معلم بهتر است از روشهای همسال ۵. سنجی و خود سنجی استفاده نماید، به این صورت که در روش همسال سنجی، همکلاسی شاگرد و در روش خودسنجی، شاگرد خودش به ارزشیابی کلامی بپردازند.





## سبک یادگیری حرکتی و طراحی محیط های آموزشی

### ۱- مدیریت کلاس

بهترین راهی که معلمان می‌توانند به این دانش‌آموزان کمک کنند این است که آنها را به حرکت درآورند. به دانش‌آموزان آموزش دهید که صحنه خاصی از کتاب یا درسی را که در حال تدریس هستید، اجرا کنند. همچنین سعی کنید این دانش‌آموزان را با گنجاندن حرکت در درسها تشویق کنید: قدم زدن برای کمک به حفظ کردن، یادگیری بازیهایی که شامل حرکت در کلاس درس یا نوشتن روی تخته سفید به عنوان بخشی از یک فعالیت است. سعی کنید تمام تلاش خود را بکنید تا آنها را فعال نگه دارید و امکان حرکت در کلاس را فراهم کنید.

### ۲- محتوا

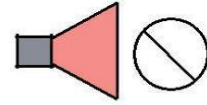
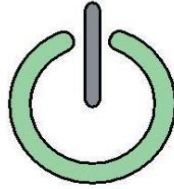
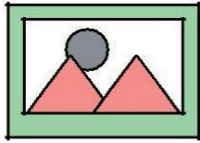
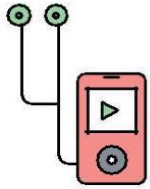
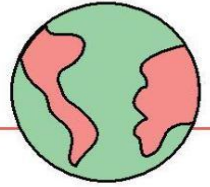
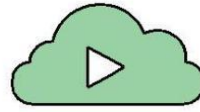
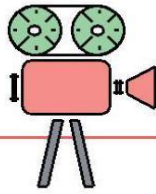
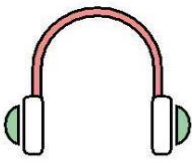
شامل: فعالیت های عملی - نقش آفرینی - آزمایشگاه ها و آزمایش ها - لوازم فیزیکی و .....

### ۳- آموزش

◀ **آزمایشگاه ها و آزمایش ها:** این نوع دروس در کلاس های علوم رایج است، اما می توان آنها را با موفقیت در برنامه درسی همه دروس مختلف پیاده سازی کرد.

◀ **اردوهای میدانی:** برای یک پروژه هنری، می‌توانید دانش‌آموزان را به بیرون ببرید و از آنها بخواهید آنچه را که می‌بینند نقاشی کنند یا عکس بگیرند. یک درس انگلیسی می‌تواند شامل یک پیاده‌روی در طبیعت باشد که در آن دانش‌آموزان وقتی بیرون هستند، در مورد آنچه که می‌بینند یادداشت می‌کنند یا داستانی می‌نویسند.





◀ **لوازم فیزیکی:** هر زمان که می توانید، از وسایل کاربردی استفاده کنید. اگر معلم آناتومی هستید، یک اسکلت بیاورید یا از بدن خود به عنوان تکیه گاه استفاده کنید.

◀ **نمایش:** این درس ادبیات و تاریخ به خوبی جواب می دهد. به جای خواندن بی سر و صدا، قسمت هایی را به دانش آموزان اختصاص دهید و از آنها بخواهید داستان را اجرا کنند.

## ارزشیابی

◀ با توجه به این که این نوع یادگیرندگان، کارهای عملی را ترجیح می دهند، بنابراین لازم است، ارزشیابی از فعالیت های آنها به صورت فرآیندی و در حین انجام کار باشد.

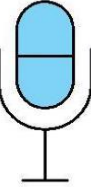
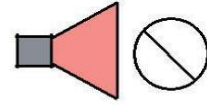
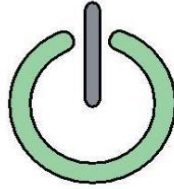
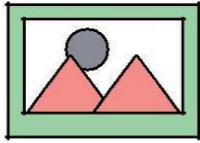
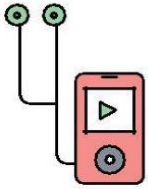
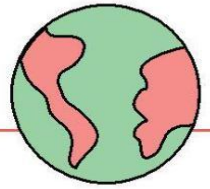
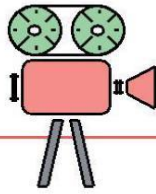
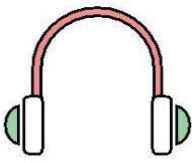
◀ ارزشیابی از این نوع یادگیرندگان بهتر است، مبتنی بر آزمونهای عملکردی باشد.

◀ در دروس عملی، ارزشیابی تراکمی از این نوع شاگردان بهتر است. با ساخت و تکمیل ابزارها و وسایل مختلف همراه باشد.

◀ معلم برای تفهیم محتوای نوشتاری و همچنین بررسی میزان درک شاگردان، می تواند از این نوع شاگردان بخواهد تا مدل سازی کنند و با اشیای مختلف، روابط بین اجزای مختلف را نشان دهند.

◀ معلم برای انجام پروژه های عملی مانند ساخت و تولید، مدل سازی می تواند شاگردان را گروه بندی کند و به ارزشیابی گروهی از فعالیت های شاگردان بپردازد.





## نتیجه گیری در مورد سبک های یادگیری

بسیاری از مردم می دانند که هر فرد سبک ها و تکنیک های یادگیری متفاوتی را ترجیح می دهد. سبک های یادگیری روش های رایجی را که افراد یاد می گیرند گروه بندی می کند. هر کسی ترکیبی از سبک های یادگیری دارد. برخی از افراد ممکن است متوجه شوند که سبک یادگیری غالبی دارند، برخی دیگر ممکن است متوجه شوند که در شرایط مختلف از سبک های متفاوتی استفاده می کنند. همچنین سبک های شما ثابت نیستند. شما می توانید توانایی را در سبک های کمتر مسلط ایجاد کنید، و همچنین سبک هایی را که قبلا به خوبی استفاده می کنید، توسعه دهید این رویکردی است که مربیان به تازگی شروع به تشخیص آن کرده اند. آموزش سنتی عمدتاً از روش های تدریس زبانی و منطقی استفاده می کرد (و همچنان استفاده می کند). همچنین از طیف محدودی از تکنیک های یادگیری و تدریس استفاده می کند. بسیاری از مدارس هنوز به تدریس در کلاس و کتاب، تکرار زیاد و امتحانات پر استرس برای تقویت و مرور متکی هستند. کسانی که از سبک های یادگیری کمتر مورد علاقه استفاده می کنند، اغلب خود را در کلاسهای پایین تر، با برجسب های مختلف نه چندان خوب و گاهی اوقات تدریس با کیفیت پایین تر می بینند. این می تواند مارپیچ های مثبت و منفی ایجاد کند که این باور را تقویت می کند که فرد "باهوش" یا "خنک" است.





## منابع:

فرامرزی، فرحناز(۱۳۹۴). رابطه ی سبک شناختی و سبک یادگیری با اضطراب ریاضی دانش آموزان دختر سال اول دوره ی دوم متوسطه شهر کرمانشاه. پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشکده علوم اجتماعی.

کشتکار، محمدرضا(۱۳۹۸). سبک های یادگیری. آرشيو مقالات sid .

پارسایی، اعظم؛ کاظمی، سلطانه؛ سامانی، سیامک(۱۳۹۰). مقایسه سبکهای شناختی یادگیری دانشآموزان دبیرستانی و هنرستانی، فصلنامه روشها و مدل‌های روانشناختی.

نقی بیرانوند، سارا(۱۳۹۸). بررسی رابطه بین سبک های یادگیری و سبک های شناختی با جهت گیری هدف دانش آموزان دختر متوسطه دوم ناحیه ۱ شهر خرم آباد. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه پیام نور مرکز همدان.

ایرندگانی، عبدالواحد(۱۳۹۰). رابطه میان سبک های مختلف یادگیری با میزان رشد شناختی ، رشد اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان مقطع راهنمایی در شهرستان ایرانشهر. پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

حامدی نسب، صادق(۱۳۹۳) سبک های یادگیری و سنجش کلاسی، فصلنامه رشد و فناوری

## واحد ضمن خدمت ناحیه ۲ بهارستان

مدرس دوره: سرکار خانم زهرا نوروزی

عنوان دوره: آشنایی با سبک های یادگیری و شناختی

